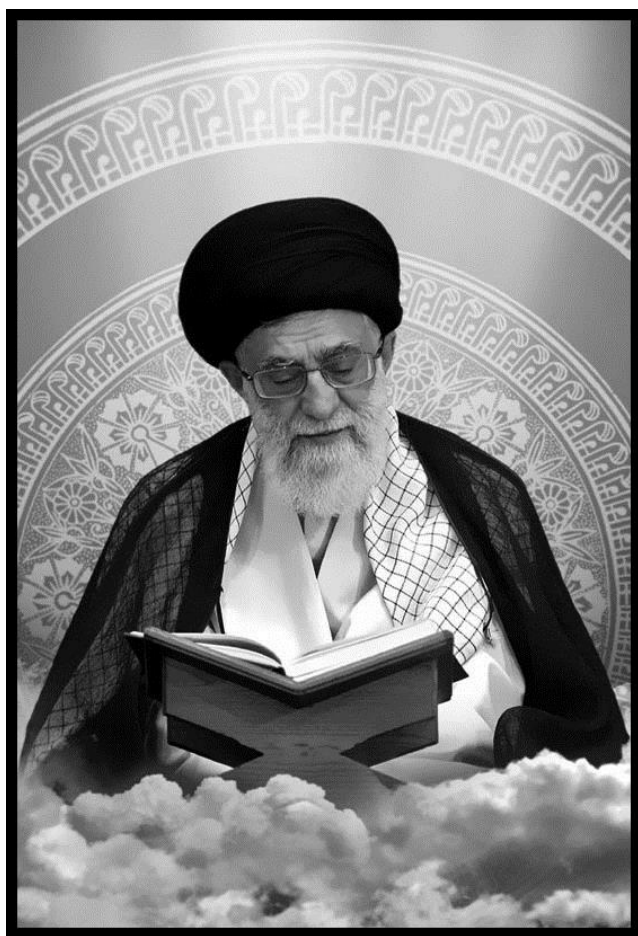


بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

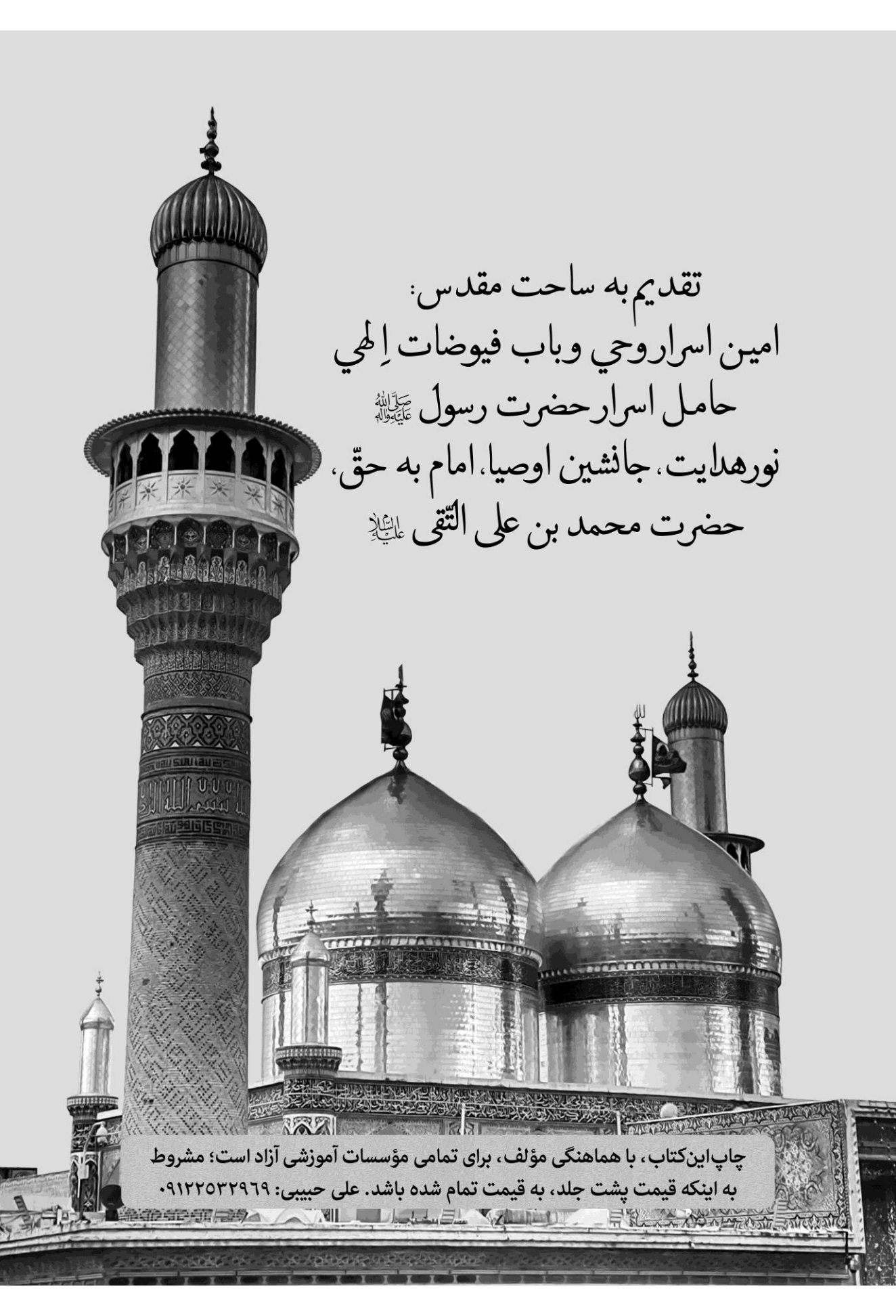
﴿كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ﴾

«کتاب پربرکتی را بر تو نازل کردیم تا در آیات آن تدبّر کنند». ص / ۲۹



**فهمیدن مفاهیم قرآن، فهمیدن ترجمه کلمه به کلمه قرآن،
برای کسانی که به زبان عربی آشنایی ندارند، لازم است.**

مقام معظم رهبری



تقدیم به ساحت مقدس:
امین اسراروحی و باب فیوضاتِ الهی
حامل اسرار حضرت رسول ﷺ
نورهدایت، جانشین اوصیا، امام به حق،
حضرت محمد بن علی التّقی علیہ السلام

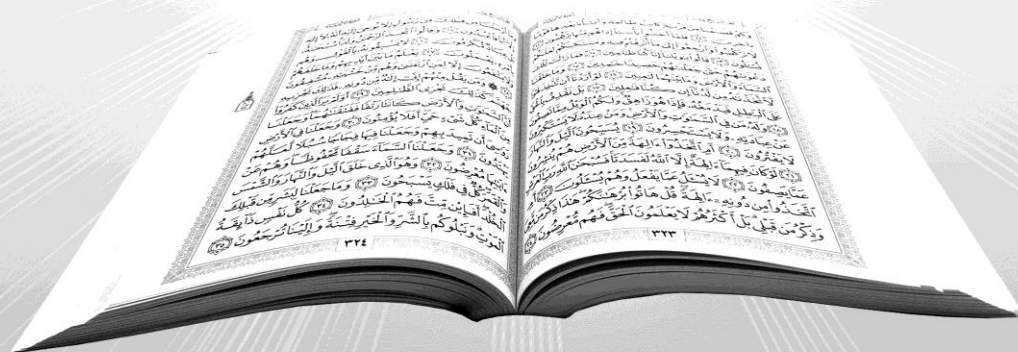
چاپ این کتاب، با هماهنگی مؤلف، برای تمامی مؤسسات آموزشی آزاد است؛ مشروط
به اینکه قیمت پشت جلد، به قیمت تمام شده باشد. علی حبیبی: ۰۹۱۲۲۵۳۲۹۶۶۹

مؤلف و مدرس قرأت و تجوید علی حبیبی

مفاهیم صحّۃ القِراءة

آشنایی با ترجمه و مفاهیم قرآن کریم

بارویکرد «اصول عقاید»





سرشناسه	:	حبیبی، علی، ۱۳۳۷-
عنوان و نام پدیدآور	:	آشنایی با ترجمه و مفاهیم قرآن کریم / پدیدآورنده علی حبیبی.
مشخصات نشر	:	قم: روحانی، ۱۳۹۹.
مشخصات ظاهری	:	۹۶ ص.
شابک	:	978-964-5848-65-9
وضعیت فهرست نویسی	:	فیا
موضوع	:	قرآن -- راهنمای آموزشی
موضوع	:	Qur'an -- Study and teaching
موضوع	:	قرآن -- تلاوت -- راهنمای آموزشی
موضوع	:	Qur'an -- Reading -- Study and teaching
موضوع	:	قرآن -- قرائت -- راهنمای آموزشی
موضوع	:	Qur'an -- Readings -- Study and teaching
موضوع	:	زبان عربی -- صرف و نحو -- راهنمای آموزشی
موضوع	:	Arabic language -- Morphosyntax -- Study and teaching
رده بندی کنگره	:	BP۱۰۲/۱
رده بندی دیویی	:	۲۹۷/۱۸
شماره کتابشناسی ملی	:	۷۳۳۴۵۵۱



مرکز پخش: قم، خیابان ارم، پلاک ۳۲۵. تلفن: ۳۷۷۴۱۷۷۶

آشنایی با ترجمه و مفاهیم قرآن کریم

عنوان کتاب:	آشنایی با ترجمه و مفاهیم قرآن کریم
پدیدآورنده:	علی حبیبی
ناشر:	انتشارات روحانی
سال و نوبت نشر:	اول/۱۴۰۰
قطع:	وزیری
تعداد صفحات:	۹۶ صفحه
تیراژ:	۳۰۰۰ جلد
شابک:	۹۷۸-۹۶۴-۵۸۴۸-۶۵-۹
قیمت:	۱۰۰۰۰ تومان

پیش‌گفتار

﴿إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ﴾^۱

«ما آن (کتاب) را به صورت قرآن (قابل خواندن و به زبان) عربی (فصیح و شیوا) نازل کردیم تا (به خوبی درک کنید و در آن) اندیشه کنید». کتابی که برای هدایت همگان نازل گشته، باید به زبان جهانی سخن بگوید تا همگان از معارف آن بهره‌مند شوند.

انسان‌ها گرچه در لغت و ادبیات از یکدیگر بیگانه‌اند، اما در فرهنگ انسانی که همان فرهنگ فطرت پایدار و تغییر ناپذیر است، با هم مشترکند، و قرآن کریم با همین فرهنگ با انسان‌ها سخن می‌گوید؛ مخاطب آن فطرت انسان‌هاست و رسالت آن شکوفا کردن فطرت‌هاست و از این رو زبانش برای همگان آشنا و فهمش میسر عموم بشر است.^۲

اما این سخن به آن معنا نیست که این کتاب آسمانی، در چهره نازل خود، لباس زبان خاصی را بر تن نکرده باشد، زیرا روشن است که معارف قرآن کریم در چهره لغت و ادبیات عرب بر انسان‌ها نمودار شده است.

انتخاب زبان عرب (به شهادت اهل تحقیق)، به خاطر وسعت این زبان است که می‌تواند ترجمان زبان وحی باشد و مفاهیم و ریزه‌کاری‌های سخنان خدا را بازگو کند.^۳

۱. یوسف / ۲.

۲. تفسیر تسنیم / ۱ / ۳۲.

۳. تفسیر نمونه / ۹ / ۳۰۰.



بنابراین تنها راه ارتباط مستقیم با متن قرآن، فهم و یادگیری لغت و زبان عربی است که زبان قرآن می‌باشد و از همین روست که امام صادق علیه السلام همگان را به فراگیری این زبان، دعوت نموده است:

«تَعَلَّمُوا الْعَرَبِيَّةَ فَإِنَّهَا كَلَامُ اللَّهِ الَّذِي تَكَلَّمَ بِهِ خَلْقَهُ»^۱

فرا گیرید زبان عربی را، زیرا زبانی است که خداوند به وسیله آن با خلق خویش سخن گفته است.

بنابراین بر تمامی مسلمانان لازم است، این زبان را به عنوان زبان دوم خود بیاموزند، تا در سایه فهم کلام وحی و تدبّر در آن بتوانند زمینه عمل به دستوراتش را فراهم سازند.

کتابی را که در پیش رو دارید، گامی است در جهت تحقق آرزوی کسانی است که می‌خواهند با ترجمه و مفاهیم آیات قرآن کریم آشنا شوند.

سعی ما بر این است که در کنار آشنایی با ترجمه آیات (که دارای کلمات پرکاربرد می‌باشد) با قواعد زبان عرب به عنوان کلید فهم آیات، و با انتخاب آیات و روایات مربوط به «خداشناسی، نبوت، امامت و معاد» با فشرده‌ای از «اصول عقائد» که وظیفه هر مسلمان، آشنایی آگاهانه با آنهاست نیز آشنا شویم.

در پایان تذکر این نکته را لازم می‌دانم که بیشتر آیات و روایات و مضامین اعتقادی این نوشته از کتاب «پیام قرآن» نوشته استاد ارجمند ما حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی (دام عزه) استفاده شده است؛ عزیزانی که علاقمند به آشنایی بیشتر با آیات و مضامین عمیق‌تر اعتقادی می‌باشد به این کتاب (که مجموعاً ده جلد می‌باشد) مراجعه فرمایند.

۱. الخصال، شیخ صدوق (باب الاربعه، حدیث ۱۳۴).

سخنی با قرآن آموزان

هر درس این کتاب، از بخش‌های مختلفی تشکیل یافته که توضیح مختصر هر یک، به شرح زیر است:

۱ - آشنایی با معانی و مفاهیم کلماتی که در آیات درس، به کار رفته است، قرآن‌آموزان عزیز باید آنها را به خاطر سپرده و حفظ نمایند تا در ترجمه آیات و روایات و عبارات درس و درس‌های آینده با مشکلی مواجه نشوند؛

۲ - آیات و عبارات قرآنی که از لغات درس و درس‌های گذشته می‌باشد، دربرگیرنده مفهوم جدیدی در رابطه با «اصول عقائد» است که آشنایی با آن، یکی از وظایف همه مسلمانان می‌باشد؛ قرآن‌آموزان عزیز نخست باید آنها را به صورت صحیح و روان بخوانند و سپس با توجه به معانی کلمات (که از قبل به خاطر سپرده و حفظ نموده‌اند) به ترجمه تحت اللفظی آنها بپردازند.

«ترجمه تحت اللفظی»، ترجمه کلمه به کلمه می‌باشد که برای آشنایی با ترجمه روان، نخست باید از این روش استفاده نمود و پس از تسلط، به تدریج با ترجمه روان و زیبا آشنا خواهید شد؛ برای نمونه:

لَا	إِلَهَ	إِلَّا	اللَّهُ
نیست	معبودی	مگر	خداوند
قُلْ	هُوَ	اللَّهُ	أَحَدٌ
بگو	اوست	خداوند	یگانه

یادسپاری: برای سهولت در ترجمه کلمات مرکب، نخست آنها را در ذهن خود تفکیک نموده و سپس ترجمه نمایید؛ مانند:

مَا لَكُمْ = مَا + لَ + كُمْ: نیست برای شما.

فَاعْبُدُوهُ = فَ + اَعْبُدُوا + هُ: پس بندگی کنید او را.



۳ - آشنایی با مفهوم آیات و روایات و عبارات درس

آیات و روایات و عبارات انتخاب شده هر درس، در رابطه با اصول اعتقادات می باشد؛ تا قرآن آموزان عزیز، در کنار یادگیری ترجمه اجمالی قرآن و روایات، با اصول عقائد نیز آشنا شوند، چرا که وظیفه همه مسلمانان است که اصول عقائد خویش را بشناسند؛

۴ - آشنایی با قواعد زبان قرآن

در هر درسی، یکی از قواعد زبان عرب که در فهم بهتر آیات، نقش بسیاری دارند با بیانی ساده، توضیح داده شده است تا کمکی برای قرآن آموزان عزیز باشد در فهم بهتر و آسان تر معانی آیات قرآن و روایات؛

۵ - آشنایی با قرآن در منزل

یکی از اصول پایداری محفوظات، «تکرار و تمرین آموخته ها، جهت جلوگیری از فراموش شدن احتمالی می باشد»؛ از این رو در پایان هر درس، آیات و روایات جدیدی (با همان کلمات آموزش داده شده) را انتخاب نموده ایم تا با تکرار و تمرین، معانی لغات آموخته شده، کاملاً در ذهن رسوخ کند و به صورت ملکه درآید؛ برای آشنایی بیشتر، در هنگام قرائت قرآن و روایات، به معانی کلماتی که به ذهن سپرده اید، توجه فرمایید.

۱۰ رجب ۱۴۴۰ مصادف با ۲۳ دی ماه ۱۳۹۷

سالروز ولادت باسعادت جواد الائمه حضرت محمد بن علی التقی (علیه السلام)

الحمد لله رب العالمين

من الله التوفيق

قم - شیخ علی حبیبی

درس اول

خداشناسی (توحید)

۱ - معانی کلمات زیر را به خاطر بسپارید تا به راحتی بتوانید آیات و عبارات درس را ترجمه کنید.

فَ: پس	أَنَا: ی: مَنْ
قُلْ: بگو (قولوا: بگویند)	ادْعُوا: می خوانم
كُفْرًا: شما، تان	أَشْرِكْ: شریک قرار می دهم
لِ: برای، برای اینکه، باید	اعْبُدُوا: عبادت کنید، بندگی کنید
لَا: (حرف نفی) نیست، نه	إِلَّا: مگر، به جز
لَكِنْ، لَكِنَّ: ولی، امّا (لَكِنَّ: لَكِنْ + أَنَا)	إِلَه: معبود (شایسته پرستش)
مَا (نافیه): نیست	اللَّهُ: خدا، خداوند (ذات اقدس الهی)
مِنْ: از	إِنَّ: همانا، حتماً
مَا، ما را، مان	أَنَّمَا: همانا، فقط
وَ: و	بِ: به، نسبت به
وَاحِد، أَحَد: یکتا و یگانه	تَقْلِبُوا: رستگار شوید
هُوَ، هُوَ: او، آن، ش	رَبّ: پروردگار، مالک
يَا: (حرف ندا) ای	غَيْر: غیر، به جز

«توحید» یعنی: یگانگی ذات خداوند و عدم وجود هرگونه همتا و شبیه برای او.



۲ - آیات و عبارات زیر را قرائت نموده و سپس ترجمه نمایید:

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ (۱۹/۴۷)
 وَمَا مِنْ إِلَهٍ إِلَّا اللَّهُ (۶۲/۳)
 قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ (۱/۱۱۲)
 إِنَّمَا اللَّهُ إِلَهٌ وَاحِدٌ (۱۷۱/۴)
 قُلْ إِنَّمَا هُوَ إِلَهٌ وَاحِدٌ (۱۹/۶)
 وَالْهِنَا وَالْهُكُمُ وَاحِدٌ (۴۶/۲۹)
 أَنَّمَا الْهُكُمُ إِلَهٌ وَاحِدٌ (۱۱۰/۱۸)
 وَمَا مِنْ إِلَهٍ إِلَّا إِلَهٌ وَاحِدٌ (۳/۵)
 وَالْهُكُمُ إِلَهٌ وَاحِدٌ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ (۱۶۳/۲)
 إِنَّ اللَّهَ هُوَ رَبِّي وَرَبُّكُمْ فَأَعْبُدُوهُ (۶۴/۴۳)
 أَعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ (۷۳/۷)
 قُلْ إِنَّمَا أَدْعُوا رَبِّي وَلَا أُشْرِكُ بِهِ أَحَدًا (۲۰/۷۳)
 لَكِنَّا هُوَ اللَّهُ رَبِّي وَلَا أُشْرِكُ بِرَبِّي أَحَدًا (۳۸/۱۸)
 قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: قُولُوا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، تَفْلِحُوا (بحار/۱۸/۲۰۲)

۱. «ل: برای»، وقتی بر سر ضمیر (کُم) بیاید، مفتوح می‌گردد، مانند: لَکُم: برای شما.

۲. لَا أُشْرِكُ: شریک قرار نمی‌دهم.

۳ - آشنایی با اصول عقائد

خداشناسی (توحید)

نخستین اصل از اصول عقائد اسلام، «توحید و شناخت خداوند» است.

«شناخت خداوند»، یکی از احساسات ذاتی و درونی می‌باشد که در اعماق سرشت و جان همه انسان‌هاست، اما گاهی حجاب‌هایی از آداب و رسوم و افکار انحرافی و تعلیمات نادرست، مانع بروز آن می‌شود.

هدف از بعثت انبیاء، برطرف ساختن این حجاب‌ها و شناساندن خدای حقیقی به مردم می‌باشد؛ از این رو قرآن کریم، پیش از هر چیز روی «توحید و یگانگی خداوند» تکیه نموده است و نخستین شعار قرآن، «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» می‌باشد و این شعار، پیش از شصت بار با عبارت‌های گوناگون در قرآن کریم، آمده است؛ و پیامبر گرامی اسلام ﷺ نیز دعوتش را با «توحید و یگانگی خداوند» شروع کرد و می‌فرمود: اگر طالب رستگاری هستید، زیر پرچم توحید درآیید، «قُولُوا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ تَفْلِحُوا».

«توحید»، یعنی: «یگانه دانستن و یکی شمردن خداوند»؛ یعنی: «یگانگی

ذات خداوند و عدم وجود هرگونه هم‌تا و شبیه برای او».

حداقل توحید از نظر اسلام و قرآن که برای یک فرد مسلمان ضرورت دارد، توحید در ألوهیت و معبودیت است که از کلمه طیبه «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» فهمیده می‌شود. یعنی: هیچ موجودی جز «الله» نیست که جهان و انسان را آفریده باشد، و هیچ موجودی جز «الله» نیست که اختیار وجود جهان در دست قدرت او باشد، و هیچ موجودی جز «الله»، حقّ فرمان دادن و قانون‌گذاری ندارد مگر به اذن او، و نهایتاً هیچ موجودی جز «الله»، سزاوار پرستش نمی‌باشد.



۴ - آشنایی با زبان قرآن

«دستور زبان عربی»

برای آموختن هر زبانی، نخست باید با «قواعد آن زبان» آشنا شویم؛ این قواعد را در فارسی، «دستور زبان» و در عربی «صرف و نحو» می‌گویند. «زبان»: مجموعه‌ای از «جملات» و عبارات یک قوم است که با آن تکلم می‌کنند.

«جمله»: مجموعه‌ای از «کلمات» است که به یکدیگر نسبت داده شده باشد.

«کلمه»: مجموعه‌ای از «حروف» و یا یک حرف است که دارای معنی باشد.

بنابراین: حروف ← کلمات ← جملات ← زبان.

حروف زبان قرآن:

حروف و الفبای زبان قرآن (زبان عربی) همان الفبای فارسی است به جز چهار حرف «پ، چ، ژ، گ».

کلمه شناسی، جمله شناسی

علمی که درباره کلمه شناسی بحث می‌کند «علم صرف» است؛

علمی که درباره جمله شناسی بحث می‌کند «علم نحو» می‌باشد.

قبل از آشنایی با علم نحو، نخست باید خود کلمه و ساختار آن (علم صرف) را بشناسیم.

تعریف علم صرف

«صرف»، در لغت به معنای: «برگرداندن و تغییر دادن» است؛ و در اصطلاح:

«علمی است که از چگونگی تغییر کلمه به صورت‌های مختلف (برای به

دست آوردن معانی جدید) بحث می‌کند»؛ مانند:

کلمه «نَصَرَ»، (یاری کرد) که می‌شود: «يُنْصِرُ»، (یاری می‌کند)؛ «أَنْصَرُ»، (یاری

کن)؛ «نَاصِر»، (یاری کننده)؛ و... که می‌گویند: کلمه «نَصَرَ» صرف شده است.

فایده علم صرف:

فایده علم صرف: آشنایی با چگونگی «جمله سازی» و «کلمه شناسی» است. در هر زبانی، بسیاری از کلمات، از کلمه دیگری گرفته می شود؛ مثلاً در فارسی کلمات: «رفتم، رفتی، رفت و...» از ماده «رفتن» گرفته شده اند. در عربی نیز چنین علمی است که عهده دار انجام این تغییرات می باشد و آن «علم صرف» است؛ بنابراین باید «علم صرف را بیاموزیم» تا:

- ۱ - کلمات را بشناسیم؛
- ۲ - به معانی آنها پی ببریم؛
- ۳ - و بتوانیم برای معنای مورد نظر، کلمات مناسب بسازیم.

موضوع علم صرف

موضوع علم صرف، «کلمه» است؛ چرا که این علم درباره ساختمان کلمه و تغییرات مربوط به آن بحث می کند و به همین جهت به آن علم «کلمه شناسی» و «کلمه سازی» نیز گفته می شود. در درس آینده با کلمه و اقسام آن، آشنا خواهیم شد.



۵ - آشنایی با قرآن در منزل

۱ - ۵ - آیات و عبارات زیر را قرائت نموده و سپس ترجمه کنید.

اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ (۲۰۰/۲)

إِنَّ إِلَهَكُمْ لَوَاحِدٌ (۴/۳۷)

اللَّهُ رَبُّنَا وَرَبُّكُمْ (۱۵/۴۲)

فَالْهُكُمُ إِلَهُ وَاحِدٌ (۳۴/۲۲)

اللَّهُ رَبُّكُمْ فَاعْبُدُوهُ (۳/۱۰)

قُلْ إِنَّمَا هُوَ إِلَهُ وَاحِدٌ (۱۹/۶)

وَهُوَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ (۷۰/۲۸)

قُلْ هُوَ رَبِّي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ (۳۰/۱۳)

أَعْبُدُوا اللَّهَ رَبِّي وَرَبَّكُمْ (۲۳/۵)

اللَّهُ رَبُّكُمْ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ (۱۰۱/۶)

إِنَّ اللَّهَ رَبِّي وَرَبُّكُمْ فَاعْبُدُوهُ (۶۴/۴۲)

۲ - ۵ - دو صفحه از قرآن را با دقت و به صورت شمرده بخوانید، در هنگام

قرائت، به معانی کلماتی که به ذهن سپرده‌اید، توجه فرمایید؛

۳ - ۵ - علم صرف را تعریف نموده و موضوع و فایده آن را بیان فرمایید؛

۴ - ۵ - از معنای آیات و عبارات درس و مبحث توحید، چه فهمیدید؟ به

صورت فشرده در چند سطر بنویسید.

درس دوم

خداشناسی (ادله توحید)

۱ - معانی کلمات زیر را به خاطر بسپارید تا به راحتی بتوانید آیات و عبارات درس را ترجمه کنید.

عَلَا (عُلُو): برتری جست	عَالِهَة (جمع إله): معبودها
عَلَى: (حرف جر) بر، بالای	أَلَذَى: کسی که، آن که، که
فَسَدًا: تباه شدند	إِذَا: آنگاه
كَانَ: بود، می باشد، است	أَرْض: زمین
كُلٌّ: هر، همه	أَلَا: آگاه باشید
كَمَال: تمام شدن، کامل بودن	أَوَّل: سرآغاز
لَوْ: اگر	بَعْض: بعض
مَا (موصوله): آنچه، هرآنچه	تَصَدِيق: راست پنداشتن، باور داشتن
مَعَ: با	خَالِق: آفریننده، خلق کنند
مَعْرِفَت: شناختن، شناسایی	خَلَقَ: آفرید، خلق کرد
مُلْك: حکومت و اداره امور	دین: جزا، آیین (دین اسلام)
مَنْ: کسی که، هرآن کسی که	ذَهَبَ: رفت
هُمْ: ایشان، آنان (ضمیر جمع)	سَمَوَات (جمع سماء): آسمان ها
هُمَا: آنها (ضمیر تثنیه)	شَيْء: چیز



۲ - آیات و عبارات زیر را قرائت نموده و سپس ترجمه کنید.

اللَّهُ رَبُّكُمْ لَهُ الْمُلْكُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ (۶/۳۹).

الْأَنَّ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ (۵۵/۱۰).

اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ (۳۲/۱۴).

إِنَّ اللَّهَ لَهُ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ (۱۱۶/۹).

لَوْ كَانَ فِيهِمَا آلِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا (۲۲/۲۱).

لَهُ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ (۱۵۸/۷).

اللَّهُ رَبُّكُمْ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ (۶۲/۴۰).

الْأَنَّ لِلَّهِ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ (۶۶/۱۰).

إِنَّ رَبَّكُمْ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ (۵۴/۷).

وَمَا كَانَ مَعَهُ مِنْ إِلَهٍ إِذَا لَذَهَبَ كُلُّ إِلَهٍ بِمَا خَلَقَ وَلَعَلَّ
بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ (۹۱/۲۳).

امیرالمؤمنین علیه السلام: أَوَّلُ الدِّينِ مَعْرِفَتُهُ وَكَمَالُ مَعْرِفَتِهِ، التَّصَدِيقُ
بِهِ وَكَمَالُ التَّصَدِيقِ بِهِ تَوْحِيدُهُ... (نهج البلاغه/خطبه ۱)

یادسپاری: وقتی بعد از فعل ماضی، حرب «ب» بیاید، معنای آن، تغییر
می یابد، ذَهَبَ، یعنی: رفت؛ ذَهَبَ بِ، یعنی: می برد؛ عَلَا، یعنی: برتری جست؛
عَلَا بِ، یعنی: برتری می جست.

۳ - آشنایی با اصول عقائد

خداشناسی (ادله توحید)

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «اگر در آسمان و زمین، خدایان و معبودهایی جز «الله، وجود داشت، نظم جهان برهم می‌خورد و آسمان و زمین فاسد و ویران می‌شدند»، چرا که هر کدام از آنها می‌خواهد نظمی مطابق خواست و اراده خودش بر جهان ایجاد کند ﴿لَوْ كَانَ فِيهِمَا آلِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا﴾.

دلیل فوق با بیان امام صادق علیه السلام در پاسخ مرد بی‌ایمان (در زمینه توحید) روشن‌تر می‌شود: «هنگامی که مشاهده می‌کنیم آفرینش منظم است و ستارگان در مدارهای خود در حرکتند و تدبیر جهان واحد است، و شب و روز و خورشید و ماه بر اساس برنامه منظمی گردش دارند، این سلامت تدبیر و به هم پیوستگی امور، نشان می‌دهد که اداره کننده آنها یکی است»^۱.

دلیل دیگر بر توحید این است: «اگر در جهان هستی، خدایان و معبودهایی جز «الله» وجود داشت، می‌بایست هر یک از خدایان، مخلوقات خویش را تحت تدبیر و تصرف ویژه خودش قرار می‌داد، و نظام‌های مختلف و قوانین ناهماهنگی بر جهان حاکم می‌گشت و سبب از هم گسیختگی وحدت و ناموزونی عالم می‌شد. ﴿إِذَا لَذَهَبَ كُلُّ إِلَهٍ بِمَا خَلَقَ﴾ و یا هر کدام برای گسترش قلمرو حکومت خود، سعی می‌کرد بر دیگری برتری جوید ﴿وَلَعَلَى بَعْضِهِمْ عَلَى بَعْضٍ﴾، در این صورت نظم جهانی به هم می‌خورد ولی از آنجا که ما هیچ ناهماهنگی و ناموزونی در این جهان و قوانین حاکم بر آن نمی‌بینیم، درک می‌کنیم که از مبدأ واحدی سرچشمه گرفته و به وسیله خالق یکتایی آفریده شده و تدبیر و تنظیم می‌گردد»^۲.

۱. تفسیر برهان / ۳ / ۵۵ / حدیث ۱.

۲. پیام قرآن / ۳ / ۱۷۴.



۴ - آشنایی با زبان قرآن

«اقسام کلمه»

در درس قبل گفته شد که موضوع علم صرف «کلمه» است، در این درس با اقسام کلمه آشنا خواهیم شد.

اقسام کلمه

کلمه بر سه قسم است: «اسم، فعل و حرف».

۱ - اسم: کلمه‌ای است که دارای معنای مستقلی باشد و دلالت بر زمان نکند؛ مانند: اللَّهُ (خداوند)، شَمْسٌ (خورشید)، نَصْرٌ (یاری نمودن)؛

۲ - فعل: کلمه‌ای است که دارای معنای مستقلی باشد و دلالت بر یکی از زمان‌های سه گانه (گذشته، حال و آینده) نیز بکند؛ مانند:

كَتَبَ (نوشت)، يَكْتُبُ (می‌نویسد)، أَكْتُبُ (بنویس)؛

۳ - حرف: کلمه‌ای است که معنای مستقلی ندارد ولی وسیله‌ای است برای ربط دادن کلمات به یکدیگر؛ مانند:

حرف «وَ» و «فَ» در عبارت: إِنَّ اللَّهَ رَبِّي وَرَبُّكُمْ فَاعْبُدُوهُ.

چند نکته:

۱ - از میان اقسام کلمه، فقط «اسم و فعل» صرف می‌شوند (یعنی به شکل‌های مختلف در می‌آیند)، البته فعل بیشتر از اسم، ولی «حرف»، همیشه صورت و شکل آن، «ثابت» است؛

۲ - در کلمات صرف شده، حرف مشترکی وجود دارند که در ساختار تمامی کلمات به کار رفته است و سبب می‌شود تا همه آنها، جزء یک خانواده به حساب بیایند؛ مانند: «عَالِم، مَعْلُوم، عَلِيم» که می‌توان گفت، اصل و اساس این کلمات، سه حرف «ع، ل، م» می‌باشد که در همه آنها تکرار شده است.

به حروفی که در تمام کلمات هم‌خانواده، تکرار می‌شوند و اسکلت اصلی کلمه را تشکیل می‌دهند «حروف اصلی و یا ریشه» کلمه و به حرف‌هایی که به حروف اصلی اضافه شوند، «حروف زائد» می‌گویند. این حروف زائد، معنای جدیدی به کلمه می‌دهند.

یادسپاری: بعضی از الفاظ، دارای معانی مختلفی است که به آن «الفاظ مشترک» می‌گویند مانند لفظ «ما» که تا به حال با دو معنای آن آشنا شدیم:

۱ - «ما» نافی که به معنای: «نَ، نیست» می‌باشد، مانند:

وَمَا مِنْ إِلَهٍ إِلَّا اللَّهُ. (۶۲/۳) أَعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ. (۵۹/۷)

همانگونه که در این آیات، توجه فرمودید، غالباً بعد از «ما» نافی، کلمات «إِلَّا» و «غَيْر» آمده است.

۲ - «ما» موصوله^(۱) که به معنای: «آنچه، هر آنچه که» می‌باشد، مانند:

لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ (۱/۳۴)

گاهی به جای «ما» موصوله، «مَنْ» موصوله به کار برده می‌شود با این تفاوت که «ما» در رابطه با اشیاء است و «مَنْ» در رابطه با اشخاص؛ مانند:

إِلَّا أَنْ لِلَّهِ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ. (۶۶/۱۰)

۱. اسم موصول: اسم مبهمی است که ابهامش با جمله بعد از آن از بین می‌رود، مانند: رَأَيْتُ

مَا بَعَثَهُ (دیدم چیزی را که فروختی). ذَهَبَ مَنْ رَأَيْتُهُ (رفت کسی که دیدمش).



۵ - آشنایی با قرآن در منزل

۱ - ۵ - آیات و عبارات زیر را قرائت نموده و سپس ترجمه کنید

هُوَ اللَّهُ الْخَالِقُ (۲۴/۵۷)

اللَّهُ رَبُّكُمْ لَهُ الْمُلْكُ (۱۳/۳۵)

لِلَّهِ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ (۱۴۲/۲)

اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ (۲۱/۲)

رَبُّنَا رَبُّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ (۱۴/۱۸)

وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ (۱۸۹/۳)

هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ (۲۹/۲)

لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ (۱/۳۴)

وَهُوَ اللَّهُ فِي السَّمَوَاتِ وَفِي الْأَرْضِ (۳/۶)

رَبُّ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ (۱۰/۷۳)

اللَّهُ رَبُّكُمْ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ فَاعْبُدُوهُ (۱۰۱/۶)

۲ - ۵ - دو صفحه از قرآن را با دقت و به صورت شمرده بخوانید، در هنگام

قرائت، به معانی کلماتی که به ذهن سپرده‌اید، توجه فرمایید؛

۳ - ۵ - اسم، فعل و حرف را تعریف نموده و برای هر یک مثالی بزنید؛

۴ - ۵ - از معنای آیات و عبارات درس و مبحث ادله توحید، چه فهمیدید؟

به صورت فشرده در چند سطر بنویسید.

درس سوم

خداشناسی (صفات خداوند)

۱ - معانی کلمات زیر را به خاطر بسپارید تا به راحتی بتوانید آیات و عبارات درس را ترجمه کنید.

عَلَانِيَةً: آشکار	أُدْعُوا: بخوانید
عَلَى: بزرگوار، بلند مرتبه	إِسْرَار (جمع سِرّ): پنهان کاری، راز
عَمَّا (عَنْ + ما): از آنچه	أَسْمَاء (جمع اسم): نام‌ها
عِنْدَ: نزد	جَهْرًا: آشکار
غُيُوب (جمع غيب): ناپیدا، پنهان	حُسْنَى: نیکو، بهتر، بهترین
كَ: تو، ت	ذَات: دارای
كُفُوًا: هم‌تا	سُبْحَانَ: مُنَزَّه، پاک و بی عیب
لَمْ (حرف نفی): نه	شَهَادَةً: آشکار، پیدا
مِثْل: مانند، شبیه، نظیر	صُدُورِ (جمع صدر): سینه‌ها
نَجْوَى: راز گفتن، پنهان کاری	عَالِم: دانا
يَصِفُونَ: وصف می کنند	عِزَّة: عِزَّت، شکوه، سربلندی
يَعْلَمُ: می داند (يَعْلَمُوا: می دانند)	عَظِيم: بزرگ، با عظمت
يَكُنْ: می باشد	عَلَام، عَلِيم: بسیار دانا



۲ - آیات و عبارات زیر را قرائت نموده و سپس ترجمه نمایید:

لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ (۱۱/۴۲)

وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ (۴/۱۱۲)

سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُصِفُونَ (۱۵۹/۳۷)

إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ (۱۱۹/۳)

وَلِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ فَادْعُوهُ بِهَا (۱۸۰/۷)

اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ (۸/۲۰)

سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ (۱۸۰/۳۷)

إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ غَيْبَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ (۱۸/۴۹)

هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ غَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ (۲۲/۵۹)

قُلْ لَا يَعْلَمُ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ الْغَيْبَ إِلَّا اللَّهُ (۶۵/۳۷)

أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ سِرَّهُمْ وَنَجْوَاهُمْ وَأَنَّ اللَّهَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ (۷۸/۹)

وَهُوَ اللَّهُ فِي السَّمَوَاتِ وَفِي الْأَرْضِ يَعْلَمُ سِرَّكُمْ وَجَهْرَكُمْ (۳/۶)

وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ (۱۶/۴۹)

إِنَّ اللَّهَ عَلِيمُ غَيْبِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ (۳۸/۳۵)

امیرالمؤمنین علی علیه السلام: كُلُّ سِرٍّ عِنْدَ اللَّهِ عَلَانِيَةٌ (غررالحکم / ۶۸۹۶)

۳ - آشنایی با اصول عقائد

خداشناسی (صفات خداوند)

شناخت خداوند از راه مطالعهٔ اسرار جهان آفرینش، آسان است ولی شناخت صفات خداوند نیاز به دقت فراوان دارد، چرا که خداوند هیچ چیزش با ما و آنچه دیده و شنیده‌ایم، شباهت ندارد ﴿وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ﴾ و چگونه ممکن است موجود ناقص و محدودی مثل ما، آن وجود کامل و نامحدود را آن‌طور که هست بشناسد و برای همین است که خداوند، خود را از توصیف ناقص انسان‌ها، منزّه و پاک می‌داند ﴿سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُصِفُونَ﴾؛ از این‌رو نخستین شرط شناخت صفات خداوند، نفی تمام صفات مخلوقات از آن ذات مقدس می‌باشد.

حقیقت صفات خداوند بر کسی روشن نیست، چرا که هیچگونه شباهتی با اوصاف مخلوقین ندارد ﴿لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ﴾، تنها می‌توانیم خداوند را با اوصافی که در قرآن برای خودش بیان فرموده بشناسیم، آنهم با علم اجمالی که برای ما انسان‌ها امکان‌پذیر است.

در قرآن «صفات خداوند» با عنوان «اسماء الحسنی» معرفی شده ﴿اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى﴾؛ «اسماء الحسنی»، به معنی «نام‌های نیکو» است و برای خداوند، نام‌های نیکویی مختلفی است که همه، اشاره به ذات واحد حق می‌کند. تعدّد نام‌های خداوند، هیچگونه منافاتی با وحدت ذات او ندارد، چرا که تعدّد نام‌ها، ناشی از اختلاف زاویه دید ما نسبت به آن کمال مطلق است، گاه از دریچه آگاهی او بر عالم هستی نگاه می‌کنیم و می‌گوییم «عالم» است، و گاه از دریچه توانایی او بر کارها و می‌گوییم «قادر» است.

در درس‌های آینده با بعضی از صفات خداوند، آشنا خواهیم شد.



۴ - آشنایی با زبان قرآن

«اقسام اسم ۱»

«اسم»، دارای تقسیمات متعددی است از جمله: «مذکر و مؤنث».

«اسم مذکر»: بر جنس «نر» دلالت می‌کند، مانند: مُوسَى، مُؤْمِن؛

«اسم مؤنث»: بر جنس «ماده» دلالت می‌کند، مانند: مَرِیم، مُؤْمِنَة؛

از جمله اقسام اسم: «مفرد، مُثَنّی، جمع» می‌باشد.

«مفرد»: کلمه‌ای که بر یک شیء یا شخص دلالت می‌کند؛ مانند: رَجُل، مُؤْمِن؛

«مُثَنّی»: کلمه‌ای که بر دو چیز دلالت می‌کند؛ مانند: رَجُلَان، مُؤْمِنَان؛

«جمع»: کلمه‌ای که بر بیش از دو چیز دلالت می‌کند، مانند: رِجَال، مُؤْمِنُون.

نشانه‌های مُثَنّی، دو چیز است:

۱ - «ان»، مانند: مُؤْمِنَان، جَنَّتَان؛ ۲ - «-ین»، مانند: مُؤْمِنَین، جَنَّتَین

اقسام جمع «سالم و مُکَسَّر»

«جمع سالم»: شکل مفرد آن تغییر نمی‌کند؛ مانند: مُؤْمِن - مُؤْمِنُون

«جمع مُکَسَّر»: شکل مفرد آن تغییر می‌کند؛ مانند: رَجُل - رِجَال

نشانه‌های جمع سالم مذکر دو چیز است:

۱ - «-ون»؛ مانند: مُؤْمِنُون؛ ۲ - «-ین»؛ مانند: مُؤْمِنَین.

نشانه‌های جمع سالم مؤنث یک چیز است:

«-ات»، مانند: مُؤْمِنَات.

چند نکته:

۱ - هر یک از مذکر و مؤنث یا حقیقی‌اند و یا مجازی.

اسمی که بر انسان یا حیوان نر دلالت کند، «مذکر حقیقی» است، مانند: رَجُل، جَمَل (شتر نر). در غیر این صورت «مذکر مجازی» است؛ مانند: أَرْض، قَلَم.

اسمی که بر انسان یا حیوان ماده دلالت کند، «مؤنث حقیقی» است؛ مانند: اِمْرَأَة، نَاقَه (شتر ماده). در غیر این صورت «مؤنث مجازی» است؛ مانند: سَمَاء، دَار (خانه).

۲ - از نشانه‌های «اسم»، قبول تنوین و «ال» تعریف می‌باشد، مانند:

كِتَابٌ - الْكِتَابُ؛ رَسُولٌ - الرَّسُولُ؛ عَلِيمٌ - الْعَلِيمُ

۵ - آشنایی با قرآن در منزل

۱ - ۵ - آیات و عبارات زیر را قرائت نموده و سپس ترجمه کنید.

وَاللَّهُ يَعْلَمُ إِسْرَارَهُمْ (۲۶/۴۷)

فَقُلْ إِنَّمَا الْغَيْبُ لِلَّهِ (۲۰/۱۰)

وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ (۲۸۲/۲)

فَلَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى (۱۱۰/۱۷)

إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ (۶۲/۲۹)

وَهُوَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ (۲۶/۴۷)

إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا (۳۲/۴)

وَلِلَّهِ غَيْبُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ (۱۳۳/۱۱)

يَعْلَمُ السِّرَّ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ (۶/۲۵)

وَخَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ (۱۰۱/۶)

لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ (۴/۴۲)

۲ - ۵ - دو صفحه از قرآن را با دقت و به صورت شمرده بخوانید، در هنگام

قرائت به معانی کلماتی که به ذهن سپرده‌اید، توجه فرمایید؛

۳ - ۵ - اسم مفرد، مثنی و جمع را تعریف نموده و برای هر یک مثالی بزنید؛

۴ - ۵ - نشانه‌های مثنی و جمع را با ذکر مثال بیان فرمایید؛

۵ - ۵ - از معنای آیات و عبارات درس و مبحث صفات خداوند، چه

فهمیدید، به صورت فشرده در چند سطر بنویسید.

درس چهارم

خداشناسی (صفات خداوند)

۱ - معانی کلمات زیر را به خاطر بسپارید تا به راحتی بتوانید آیات و عبارات درس را ترجمه کنید.

سَمِيعٌ: شنوا	أَنْتُمْ (ضمیر جمع مخاطب): شما
عَالَمِينَ (جمع عالم): جهانیان	أَيُّهَا: آئی + ها تنبیه ^(۱)
عِبَاد (جمع عبد): بندگان	بَصِير: بینا
عَزِيز: قدرتمند، شکست ناپذیر	جَمِيع: همه، همگی
غَنِيّ: بی نیاز	حَكِيم: باحکمت، کاردان، محکم کار
فُقَرَاء (جمع فقیر): نیازمندان	حَمْد: ستودن، ستایش کردن
قَدِير: توانا، بسیار توانا	حَمِيد: ستوده، شایسته ستایش
قَوِيّ: نیرومند	حَيّ: زنده (يُحْيِي: زنده می کند)
قَيُّوم: پاینده، پایدار	خَبِير: آگاه، دانای اسرار
ناس: مردم، انسان ها	رءُوف: مهربان، بسیار مهربان
وَكِيل: کارساز، نگه دار، حمایت گر	رُحَمَاء (جمع رحیم): مهربان
يُمِيتُ: می میراند	رَحْمَن: بخشنده

(۱) «أَيُّهَا» برای اتصال حرف ندا به منادایی که الف و لام دارد به کار می رود و بیشتر معنای تأکید دارد؛ مانند: يَا أَيُّهَا النَّاسُ (ای مردم).

۲ - آیات و عبارات زیر را قرائت نموده و سپس ترجمه کنید:

إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ (۴۰/۲۲).

إِنَّ رَبَّكَ هُوَ الْقَوِيُّ الْعَزِيزُ (۶۶/۱۱).

اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ (۲/۳).

إِنَّ اللَّهَ بِعِبَادِهِ لَخَبِيرٌ بَصِيرٌ (۳۱/۳۵).

إِنَّ اللَّهَ بِالنَّاسِ لَرَءُوفٌ رَحِيمٌ (۶۵/۲۲).

إِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ (۶۵/۱۰).

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ (۳۰۲/۱).

لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ (۱۱/۴۲).

عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ (۷۳/۶).

وَالْهُكْمُ إِلَهُ وَاحِدٌ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ (۱۶۳/۲).

لَهُ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (۲/۵۷).

يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ (۱۵/۳۵).

وَهُوَ الَّذِي فِي السَّمَاءِ إِلَهُ وَفِي الْأَرْضِ إِلَهُ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْعَلِيمُ (۸۴/۴۳).

لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ فَاعْبُدُوهُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ (۱۰۲/۶).

امیرالمؤمنین علیه السلام (فی بیان صفات الله): كُلُّ سِرِّ عِنْدَكَ عَلَانِيَةٌ، وَكُلُّ

غَيْبٍ عِنْدَكَ شَهَادَةٌ (نهج البلاغه / خطبه ۱۰۹).



۳ - آشنایی با اصول عقائد

خداشناسی (صفات خداوند)

در قرآن کریم برای خداوند اسماء و صفات فراوانی نقل شده که به بعضی از آنها اشاره می‌کنیم:

﴿وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ﴾ از جمله اوصاف پروردگار «علم و دانایی» اوست که تمام عالم هستی را شامل می‌شود و ذره‌ای در این عالم پنهان‌تر از علم نامحدود او پوشیده و پنهان نیست؛ ﴿إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ﴾، قدرتمندی شکست‌ناپذیر که در انجام کارهایش، نیاز به کمک ندارد؛ ﴿هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ﴾، دارای حیات جاوید و ثابت و برقرار است که قائم به ذات خویش است ولی همه موجودات، قائم به او هستند؛ ﴿وَهُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ﴾، تمامی افعالش صحیح و استوار و خالی از فساد و خطاست و عالم و آگاهی که از اسرار درون باخبر است؛ ﴿وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ﴾، به همه شنیدنی‌ها و دیدنی‌ها، آگاهی کامل دارد؛ ﴿الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ﴾، خداوندی که رحمت گسترده او همگان را شامل می‌شود و رحمت خاص و ویژه‌اش شامل مؤمنان می‌گردد؛ ﴿وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ﴾، ولا مقامی که برتر از همه چیز است؛ ﴿هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ﴾، بی‌نیازی که احتیاج به غیر ندارد و همه نیازمند اویند و شایسته هرگونه حمد و ثناست؛ ﴿لَهُ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾ حکومت آسمان‌ها و زمین از آن اوست، او پیوسته زنده می‌کند و می‌میراند و بر هر چیز قادر و تواناست. ﴿وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ﴾، و خداوند حافظ و نگهبان و تکیه‌گاه قابل اعتماد همه موجودات جهان است.

۴ - آشنایی با زبان قرآن

«اقسام اسم ۲»

از جمله تقسیمات اسم، «جامد و مشتق» می‌باشد.

اسم جامد: اسمی است که از کلمه دیگر گرفته نشده باشد، مانند: رَجُل، جَعْفَر؛

اسم مشتق: اسمی است که از کلمه دیگر گرفته شده باشد، مانند: عَالِم، عَلِيم؛

عَلَّام، که همگی از کلمه «عِلْم» گرفته شده‌اند.

اقسام اسم مشتق

«اسم مشتق» بر هشت قسم است: صفت مشبَّه، صیغه مُبالغه، اسم فاعل، اسم

مفعول، اسم تفضیل، اسم زمان و مکان، اسم ابزار.

«صفت مُشبَّه»: اسمی است که بردارنده صفت ثابت و پایدار دلالت کند، و

در قرآن، بیشتر بر این وزن‌ها آمده است:

۱ - فَعِيل، مانند: عَلِيم (دانا)، عَزِيز (با عِزّت)؛

۲ - فَعُول، مانند: صَبُور (شکیبا)، شَكُور (قدردان)؛

۳ - فَعَل، مانند: حَسَن (نیکو)،

«صیغه مُبالغه»: اسمی است که بر بسیار انجام دهنده کار یا بسیار دارنده

صفتی دلالت می‌کند و در قرآن، بیشتر بر این وزن‌ها آمده است:

۱ - فَعَال، مانند: عَلَّام (بسیار دانا)، تَوَّاب (بسیار توبه‌کننده)؛

۲ - فَعُول و فَعُول، مانند: صَبُور (بسیار شکیبا)، سُبُوح (بسیار پاک)؛

۳ - فَعِيل و فَعِيل، مانند: عَلِيم (بسیار دانا)، صَدِيق (بسیار راستگو).

یادسپاری: دو وزن «فَعِيل و فَعُول» در صفت مشبَّه و صیغه مُبالغه به طور

مشترک استعمال می‌شوند.

نکته: کلماتی که حروف اصلی آنها متفاوت باشد ولی حروف زائد، علامت‌ها

و حرکات آنها یکسان است، «کلمات هموزن» نام دارد؛ مانند:

«عَلِيم و عَزِيز» همزون «فَعِيل» «صَبُور و شَكُور» همزون «فَعُول»



برای پیدا کردن وزن کلمات، کافی است که حروف اصلی کلمه «فعل» مبنای ما باشد، به گونه‌ای که حرف اصلی اول، مقابل «ف» و حرف اصلی دوم، مقابل «ع» و حرف اصلی سوم، مقابل «ل» قرار گیرد.

۵ - آشنایی با قرآن در منزل

۱ - ۵ - آیات و عبارات زیر را قرائت نموده و سپس ترجمه نمایید:

إِنَّ اللَّهَ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ (۴۰/۴۴)

وَكَانَ اللَّهُ قَوِيًّا عَزِيزًا (۳۳/۲۵)

وَاللَّهُ الْغَنِيُّ وَأَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ (۴۷/۳۸)

وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ (۱۱/۱۲)

وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ (۲۶/۹)

هُوَ الْحَيُّ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَادْعُوهُ (۴/۶۵)

هُوَ الْحَيُّ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَادْعُوهُ (۴۰/۶۵)

إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا (۴/۹۴)

وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ (۲/۳۳)

وَمَا مِنْ إِلَهٍ إِلَّا اللَّهُ وَإِنَّ اللَّهَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (۳/۶۲)

لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ (۳۱/۲۶)

۲ - ۵ - دو صفحه از قرآن را با دقت و به صورت شمرده بخوانید، در هنگام قرائت به معانی کلماتی که به ذهن سپرده‌اید، توجه فرمایید.

۳ - ۵ - صفت مشبّهه و صیغه مبالغه را تعریف نموده و وزن‌های آنها را با ذکر مثال بیان کنید.

۴ - ۵ - از معنای آیات و عبارات درس و مبحث صفات خداوند، چه فهمیدید، به صورت فشرده در چند سطر بنویسید.

درس پنجم

خداشناسی (عدل)

۱ - معانی کلمات زیر را به خاطر بسپارید تا به راحتی بتوانید آیات و عبارات درس را ترجمه کنید.

إِحْسَان: نیکوکاری، نیکی	لَا يُكَلِّفُ: تکلیف نمی کند
أَمْر: فرمان داد (أَمْر: فرمان، کار)	مِثْقَال ذَرَّة: هم وزن ذره
أَنْفُس (جمع نَفْس): جان، خویشتن	مَوَازِين (جمع میزان): ترازوها
إِيَّام (جمع يَوْم): روز	نَصَب: نصب کرد، برقرار کرد
جُزْء: پاداش یا کیفر داده می شوید	نَضَع: قرار می دهیم
تُظْلَمُ: مورد ستم واقع می شود	نَهَى: نهی کرد، منع کرد
تَعْمَلُونَ: انجام می دهید، کار می کنید	وُسْع: توان
خَيْر: خوبی (ضد شَر: بدی)	وَضَعَ: وضع کرد، قرار داد
ظَلَم: ستم، تعدی و تجاوز	ها (ضمیر): او، آن (مفرد مؤنث غایب)
عَبْد: عبید: بنده (عباد: جمع عبد)	يَأْمُر: فرمان می دهد، درخواست می کند
فَحْشاء: کار بسیار زشت، گناه بزرگ	يَر: می بیند
قِسْط، عَدْل: عدالت، دادگری	يُرِيد: اراده می کند، می خواهد
قُضِيَ: حکم می شود	يُظْلِمُونَ (جمع يَظْلِمُ): ستم می کنند
كُنْتُ: بودید (كُنْتُ: بودم)	يَعْمَل: انجام می دهد، کار می کند



۲ - آیات و عبارات زیر را قرائت نموده و سپس ترجمه نمایید:

قُلْ أَمَرَ رَبِّي بِالْقِسْطِ (۲۹/۷).
 إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ (۹۰/۱۶).
 وَمَا اللَّهُ^(۱) يَرِيدُ ظُلْمًا لِلْعِبَادِ (۳۱/۴۰).
 وَمَا اللَّهُ يَرِيدُ ظُلْمًا لِلْعَالَمِينَ (۱۰۸/۳).
 إِنَّ اللَّهَ لَا يَظْلِمُ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ (۴۰/۴).
 أِنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَّامٍ لِلْعَبِيدِ (۱۰/۳۳).
 لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا (۲۸۶/۲).
 وَفُضِيَ بَيْنَهُم بِالْقِسْطِ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ (۴/۱۰).
 إِنَّ اللَّهَ لَا يَظْلِمُ النَّاسَ شَيْئًا وَلَكِنَّ أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ (۴۴/۱۰).
 وَنَضَعُ الْمَوَازِينَ الْقِسْطَ لِيَوْمِ الْقِيَامَةِ فَلَا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئًا (۴۷/۲۱).
 فَالْيَوْمَ لَا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئًا وَلَا تُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ (۵۴/۳۱).
 فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ (۸-۷/۹۹).
 أمير المؤمنين عليه السلام: إِنَّ الْعَدْلَ مِيزَانُ اللَّهِ سُبْحَانَهُ الَّذِي وَضَعَهُ فِي
 الْخَلْقِ وَنَصَبَهُ لِإِقَامَةِ الْحَقِّ (غررالحكم/۳۴۶۴).
 أمير المؤمنين عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ أَمَرَ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ، وَنَهَى عَنِ
 الْفَحْشَاءِ وَالظُّلْمِ (غررالحكم/۳۵۶۳).

۱. وَمَا اللَّهُ يُرِيدُ، در اصل: وَمَا يُرِيدُ اللَّهُ است که برای تأکید «الله»، مقدم شده است.

۳ - آشنایی با اصول عقاید

خداشناسی (عدل)

«عدل» یکی از صفات الهی است که با «حکیم» بودن خداوند، پیوند ناگسستنی دارد، «عدل» یکی از صفات خداوند می‌باشد، مانند سایر صفات؛ علت اینکه این صفت نزد شیعه، جزو اصول مذهب و در ردیف توحید قرار گرفته است این است که «عدل الهی»، پایه بسیاری از عقاید «شیعه» را تشکیل می‌دهد، از این رو به صورت اصل مستقل، عنوان گردیده است.

شکی نیست که «ظلم»، قبیح و ناپسند است و خداوند هرگز کار قبیح و ناپسند انجام نمی‌دهد چرا که عوامل ظلم، چند چیز است که خداوند منزّه از آنهاست، از جمله:

۱ - «نیاز»، کسی ظلم می‌کند که برای رسیدن به اموری نیازمند باشد و از راه ظلم بتواند به آنها برسد، در حالی که خداوند «غنی و بی نیاز مطلق» است، ﴿وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ﴾؛

۲ - «جهل و نادانی»، کسی ظلم می‌کند که قبیح و ناپسند بودن ظلم را نداند، در حالی که خداوند، «علمش نامحدود و بی پایان» است؛ ﴿وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ﴾؛

۳ - «عجز و ناتوانی»، کسی ظلم می‌کند که از رفع ضرر و خطر از خودش عاجز است و برای رسیدن به هدف، راهی جز ظلم ندارد، در حالی که خداوند دارای «قدرت نامتناهی و بی حد» می‌باشد، ﴿إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ﴾؛

تمامی تکالیف الهی، بر اساس عدل و داد استوار است، و تکالیف افراد، بر اساس قدرت و توانایی آنهاست ﴿لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا﴾، و در روز رستاخیز نیز، خداوند بر اساس عدل و داد میان افراد داوری خواهد کرد، و هیچگاه به افراد نیکوکار و بدکار به یک چشم نگاه نخواهد کرد ﴿فَالْيَوْمَ لَا تُظَلَمُ نَفْسٌ شَيْئًا وَلَا تُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ﴾.



۴ - آشنایی با زبان قرآن

«اقسام اسم ۳»

از جمله تقسیمات اسم: «معرفة و نكرة» می باشد.

«معرفة»: اسمی است که بر موجود معینی دلالت می کند، مانند: مکه، محمد.

«نكرة»: اسمی است که بر موجود نامعین دلالت می کند، مانند: کتاب، رجل.

اقسام معرفة

معرفة بر شش قسم است: ۱ - عَلم، ۲ - اسم اشاره، ۳ - ضمیر، ۴ - اسم موصول، ۵ - معرفة به آل، ۶ - معرفة به اضافه.

۱ - عَلم یا اسم خاص: اسمی است که نام انسان یا حیوان و یا مکان معین باشد، مانند: حَسَن، ذوالجناح، کربلا.

۲ - اسم اشاره: اسمی است که به وسیله آن به اشخاص و یا اشیاء معین اشاره می شود، و بر دو قسم است: اسم اشاره قریب و اسم اشاره بعید.

اسم اشاره قریب (نزدیک)، عبارتند از:

مفرد: هَذَا؛ (این یک مرد)	مفرد: هَذِهِ؛ (این یک زن)
مذکر } تثنية: هَٰذَانِ، هَٰذَيْنِ؛ (این دو مرد)	مذکر } تثنية: هَٰتَانِ، هَٰتَيْنِ؛ (این دو زن)
مؤنث } جمع: هَٰؤُلَاءِ؛ (اینها چند مرد)	مؤنث } جمع: هَٰؤُلَاءِ؛ (اینها چند زن)

اسم اشاره بعید (دور) عبارتند از:

ذَٰلِكَ (این یک مرد)؛ تِلْكَ (این یک زن)، أُولَٰئِكَ (آنها، شامل زن و مرد).

یادسپاری: برای اشاره به مکان، از این کلمات استفاده می شود:

هَٰنَا، هَاهُنَا (اینجا)، هُنَاكَ، هُنَالِكَ (آنجا).

در ترجمه روان آیات به فارسی، در بسیاری از موارد مناسب تر آن است که

«ذَٰلِكَ وَتِلْكَ» را به «این» ترجمه کنیم، مانند:

ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ (۲/۲) (این کتاب، هیچ شکی در آن نیست).
تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْحَكِيمِ (۲/۳۱) (این آیات کتاب حکیم است).
لفظ «كَذَلِكَ» نیز ترجمه می شود، «این گونه»، «این چنین»، مانند:
كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمُ الْآيَاتِ (۵۹/۲۴) (این چنین خداوند آیات را برای شما بیان می کند).

۵ - آشنایی با قرآن در منزل

۱ - ۵ - آیات و عبارات زیر را قرائت نموده و سپس ترجمه کنید:

وَلَا يَظْلِمُ رَبُّكَ أَحَدًا (۴۹/۱۸)

وَمَا تُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ

إِنَّمَا تُجْزَوْنَ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ (۷/۶۶)

وَقُضِيَ بَيْنَهُم بِالْحَقِّ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ (۶۹/۳۹)

وَمَا ظَلَمَهُمُ اللَّهُ وَلَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ (۳۳/۱۶)

فَمَا كَانَ اللَّهُ لِيَظْلِمَهُمْ وَلَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ (۹/۳۰)

يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ (۱۵/۳۵)

وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ (۱۶/۴۹).

۲ - ۵ - دو صفحه از قرآن را با دقت و به صورت شمرده بخوانید، در هنگام قرائت به معانی کلماتی که به ذهن سپرده اید، توجه فرمایید.

۳ - ۵ - اسم معرفه و نکره را تعریف نموده و برای هر یک مثالی بزنید.

۴ - ۵ - اسم اشاره قریب و بعید را تعریف نموده و برای هر یک مثالی بزنید.

۵ - ۵ - از معنای آیات و عبارات درس و مبحث عدل الهی، چه فهمیدید، به

صورت فشرده در چند سطر بنویسید.

درس ششم

معاد روز قیامت

۱ - معانی کلمات زیر را به خاطر بسپارید تا به راحتی بتوانید آیات و عبارات درس را ترجمه نمایید.

صَالِح: شایسته، نیک	ءَاخِر: پایان، انتها (یوم الآخر: روز قیامت)
عَمِلَ: عمل کرد، انجام داد	ءَامَنَ: ایمان آورد، اعتقاد پیدا کرد
فِي: در	إِصْلَاح: اصلاح کردن (أَصْلَحَ: اصلاح کند)
كَسَبَتْ: جمع آوری کرد، بدست آورد	أَفْتَجَعَلُ: آیا قرار بدهیم
كَيْفَ: چگونه، چه	إِلَى: به سوی، تا، در
لَيْسَ: نیست	بَاطِل: بیهوده، ناحق
مَعَاد: جای بازگشت، عالم آخرت	بَيْنَ: بین، میان
يَهْتَمُّ: کوشش کند	تُبْعَثُونَ: برانگیخته می شوید، زنده می شوید
يَجْمَعَنَّ: حتماً جمع می کند، گردآوری می کند	تُجْزَى: پاداش داده می شوید
يَحْزَنُونَ: اندوهگین می شوند	تَحْكُمُونَ: داوری و قضاوت می کنید
يَحْكُمُ: داوری می کند، قضاوت می کند	حَقَّ: راست و درست (ضد باطل)
يَخْتَلِفُونَ: اختلاف می کردند	خَلَقْنَا: آفریدیم ما
يُظْلَمُونَ: مورد ستم واقع می شوند	خَوْف: ترس، نگرانی
يُؤْمِنُونَ: ایمان می آورد، اعتقاد پیدا می کند	رَيْب: شک، تردید

۲ - آیات و عبارات زیر را قرائت نموده و سپس ترجمه کنید:

إِنَّكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ تُبْعَثُونَ. (۱۶/۳۳)

يَوْمُنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ. (۱۱۴/۳)

فَاللَّهُ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ. (۱۱۴/۴)

لِيَجْمَعَنَّكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ. (۱۲/۶)

وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا بَاطِلًا. (۲۷/۳۸)

مَا خَلَقْنَا السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ. (۸۵/۱۵)

فَاللَّهُ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ. (۱۱۳/۲)

وَنَضَعُ الْمَوَازِينَ الْقِسْطَ لِيَوْمِ الْقِيَامَةِ فَلَا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئًا. (۴۷/۲۱)

مَنْ ءَامَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ

يَحْزَنُونَ. (۶۹/۵)

وَخَلَقَ اللَّهُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ وَلِتُجْزَى كُلُّ نَفْسٍ بِمَا

كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ. (۲۲/۴۵)

وَمَا خَلَقْنَا السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا لِأَعْيُنٍ مَا خَلَقْنَا هُمَا إِلَّا

بِالْحَقِّ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ (۳۸ - ۳۹/۴۴)

امیرالمؤمنین علیه السلام: لیسِ بمؤمنٍ مَنْ لَمْ يَهْتَمَّ بِإِصْلَاحِ مَعَادِهِ (غزوالحکم/۷۳۱)

امیرالمؤمنین علیه السلام: مَنْ أَصْلَحَ أَمْرَ آخِرَتِهِ، أَصْلَحَ اللَّهُ لَهُ أَمْرَ دُنْيَاهُ (همان/۸۵۷)



۳ - آشنایی با اصول عقائد

معاد روز قیامت

در قرآن کریم، بعد از مسأله توحید، هیچ یک از مسائل عقیدتی به اهمیّت مسأله معاد نمی‌رسد، و نزدیک به یک سوم آیات قرآن، در رابطه با معاد می‌باشد، و حدود سی مورد بعد از ایمان به خداوند، موضوع ایمان به جهان دیگر مطرح شده است، «وَيُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ»؛ چرا که ایمان به خداوند و حکمت و قدرت و عدالت او بدون ایمان به معاد، کامل نمی‌گردد.

یک مطالعه اجمالی در وضع جهان هستی، نشان می‌دهد که همه چیز بر اساس هدف و حکمت و نظم و برنامه‌ای آفریده شده است.

حال اگر چنین فرض کنیم که مرگ برای انسان، پایان همه چیز است، و اگر بعد از این جهان، قیامتی نباشد، آفرینش پوچ و عبث و بیهوده خواهد بود، و خداوند حکیم هرگز کار عبث نمی‌کند، «رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا سُبْحَانَكَ»؛ آیا باور کردنی است که خداوند، سفره‌ای به اندازه جهان هستی بگستراند و همه وسائل را برای انسان فراهم کند و سپس با مردن، همه چیز تمام شده و سفره برچیده شود؟ این با حکمت خداوند حکیم هرگز سازگار نیست.

از سوی دیگر: تاریخ گذشته انسان و حوادث امروز به خوبی نشان می‌دهد که احقاقِ حَقِّ مظلومان و کیفر ظالمان هرگز در این جهان به طور کامل انجام نشده است، از این رو عدالت پروردگار اقتضا می‌کند که پس از این جهان، قیامت باشد و حساب و جزایی باید باشد تا به همه اعمال خوبان و بدان رسیدگی شود،

«أَفَنَجْعَلُ الْمُسْلِمِينَ كَالْمُجْرِمِينَ مَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ».

۴ - آشنایی با زبان قرآن

«اقسام اسم ۴»

یکی از اقسام اسم معرفه، «ضمیر» است.

«ضمیر»: کلمه‌ای است که جانشین اسم می‌شود و از تکرار آن جلوگیری می‌نماید؛ مانند: کِتَابَهُ (کتابش)، هُوَ کَاتِبٌ (او نویسنده است).
«ضمیر»، بر دو قسم است: «متصل» و «منفصل».

«ضمیر متصل»: ضمائری هستند که به تنهایی و به طور مستقل نمی‌آیند، بلکه همیشه به کلمه دیگری متصل می‌باشند، و عبارتند از:

معنا	مؤنث	مذکر	لفظ یا صیغه	
او-آن	هَا	هُوَ	مفرد	غایب
آنها-آنان	هُمَا	هُمَا	تثنیه	
آنها-آنان	هُنَّ	هُمْ	جمع	
تو	كِ	كَ	مفرد	مخاطب
شما	كُما	كُما	تثنیه	
شما	كُنَّ	كُم	جمع	
مَنْ ما	ی نا		وَحْدَهُ مَعَ الْغَیْرِ	مُتَكَلِّم

یادسپاری: ضمائر متصل، اگر به دنبال اسم بیایند، معنای مالکیت و دارایی را می‌رساند و اگر به دنبال افعال بیایند، معنای مفعولی خواهند داشت، در این صورت حرف «را» به معنای ضمیر اضافه می‌شود؛ مانند: کِتَابَهُ (کتاب او)؛ نَصَرَهُ (یاری کرد او را).



«ضمیر منفصل»: ضمائری هستند که به تنهایی و به طور مستقل می آیند و به

دو دسته تقسیم می شوند: «منفصل مرفوع» و «منفصل منصوب».

«ضمایر منفصل منصوب»: با اضافه نمودن لفظ «إِیَّا» به ابتدای ضمیرهای

متّصل ساخته می شوند و غالباً معنای مفعولی دارند، از این رو حرف «را» به

معنای آنها اضافه می شود؛ و عبارتند از:

غایب: إِيَّاهُ، إِيَّاهُمَا، إِيَّاهُمْ، إِيَّاهَا، إِيَّاهُمَا، إِيَّاهُنَّ

مخاطب: إِيَّاكَ، إِيَّاكُمَا، إِيَّاكُمْ، إِيَّاكِ، إِيَّاكُمَا، إِيَّاكُنَّ

متکلم و حده و مع الغیر: إِيَّايَ، إِيَّانَا

«ضمایر منفصل مرفوع»: عبارتند از:

غایب: هُوَ، هُمَا، هُمْ، هِیَ، هُمَا، هُنَّ

مخاطب: أَنْتَ، أَنْتُمَا، أَنْتُمْ، أَنْتِ، أَنْتُمَا، أَنْتُنَّ

متکلم و حده و مع الغیر: أَنَا، نَحْنُ

۵ - آشنایی با قرآن در منزل

۱ - ۵ - آیات و عبارات زیر را قرائت نموده و سپس ترجمه کنید:

رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا سُبْحَانَكَ (۱۹۱/۳)

يَا عِبَادِ لَا خَوْفٌ عَلَيْكُمُ الْيَوْمَ وَلَا أَنْتُمْ تَحْزَنُونَ (۶۷/۴۳)

اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لِيَجْمَعََنَّكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ (۸۷/۴)

أَفَنَجْعَلُ الْمُسْلِمِينَ^(۱) كَالْمُجْرِمِينَ مَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ. (۳۵/۶)

الْيَوْمَ تُجْزَى كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ لَا ظُلْمَ الْيَوْمَ إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ (۱۷/۴۰)

مَنْ ءَامَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ (۶۲/۲)

۲ - ۵ - دو صفحه از قرآن را با دقت و به صورت شمرده بخوانید، در هنگام قرائت به معانی کلماتی که به ذهن سپرده‌اید، توجه فرمایید.

۳ - ۵ - ضمیر را تعریف نموده و اقسام آن را با ذکر مثال برای هر مورد توضیح فرمایید.

۴ - ۵ - ضمیر منفصل مرفوع را بشمارید و معنای هر یک را مشخص فرمایید.

۵ - ۵ - از معنای آیات و عبارات درس و مبحث معاد، چه فهمیدید، به صورت فشرده در چند سطر بنویسید.

۱. أَفَنَجْعَلُ: آ (استفهام) آيا + فَ + نَجْعَلُ؛ مُسْلِمِينَ (جمع مُسْلِمٍ) همان معنای مسلمان

می‌باشد و همچنین مُجْرِمِينَ (جمع مُجْرِمٍ) همان معنای مجرم و گنهگار می‌باشد؛ «مَا لَكُمْ»: چه می‌شود شما را.

درس هفتم

اسامی روز قیامت

۱ - معانی کلمات زیر را به خاطر بسپارید تا به راحتی بتوانید آیات و عبارات درس را ترجمه کنید.

أَخَافُ: می ترسم	ظَلِمُوا: ظلم کردند، ستم کردند
أَدْرَى: آگاه کرد، فهماند	عَذَاب: عذاب، درد ورنج
الَّذِينَ: کسانی که	عَسِير، عَسِر: سخت و دشوار
الیم: بسیار دردناک	فَصَلَ: جدایی، جدا کردن حق از باطل
بَاعَ: فروخت (بِيعَ: فروختن)	قَالُوا: (جمع قَالَ) گفتند
بَعَثَ: برانگیختن، زنده شدن	كَافِرِينَ، كَافِرُونَ: (جمع کافر) کافران
تُرَاب: خاک	مِيقَات: وقت مُعَيَّن، وعده گاه
تُكَذِّبُونَ: تکذیب می کردید	نَبِيٍّ: خبریده
تَمْلِكُ: مالک می شود	نُسُوا: فراموش کردند
ثَمَر: سپس	وَيْلَ: وای (فَوَيْلٌ: فء + وِيل)
دُنْيَا: (نقیض آخرت) زندگی حاضر	يَسِير: آسان
شَدِيد: سخت، محکم	يَقُولُ: می گوید
شَرَّ: بدکارتر، بدکردارتر	يَوْمَئِذٍ: آن روز، چنین روزی

۲ - آیات و عبارات زیر را قرائت نموده و سپس ترجمه کنید:

إِنَّ يَوْمَ الْفَصْلِ كَانَ مِيقَاتًا (۱۷/۷۸).
 ثُمَّ إِنَّكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ تُبْعَثُونَ (۱۶/۳۳).
 الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ (۴-۳/۱).
 إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ (۲۱/۴۶).
 قَوْلٍ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْ عَذَابِ يَوْمٍ أَلِيمٍ (۶۵/۴۳).
 فَهَذَا يَوْمُ الْبَعْثِ وَلَكِنَّكُمْ لَا تَعْلَمُونَ (۵۶/۳۰).
 لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ بِمَا نَسُوا يَوْمَ الْحِسَابِ (۳۶/۳۸).
 فَذَلِكَ يَوْمَئِذٍ يَوْمٌ عَسِيرٌ عَلَى الْكَافِرِينَ غَيْرُ يَسِيرٍ (۱۰-۹/۷۴).
 وَمَا أَذْرُكَ مَا يَوْمَ الدِّينِ^(۱) ثُمَّ مَا أَذْرُكَ مَا يَوْمَ الدِّينِ يَوْمَ لَا تَمْلِكُ
 نَفْسٌ لِنَفْسٍ شَيْئًا وَالْأَمْرُ يَوْمَئِذٍ لِلَّهِ (۱۹-۱۷/۸۲).
 وَقَالُوا يَا وَيْلَنَا هَذَا يَوْمُ الدِّينِ هَذَا يَوْمُ الْفَصْلِ الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تُكَذِّبُونَ
 (۲۱-۲۰/۳۷).
 قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: شَرُّ النَّاسِ مَنْ بَاعَ آخِرَتَهُ بِدُنْيَاهِ وَشَرُّ مَنْ ذَلِكَ
 مَنْ بَاعَ آخِرَتَهُ بِدُنْيَا غَيْرِهِ (لئالی الاخبار/۱۰/۹۵).

۱. «ما» در این آیه «استفهامیه» است که برای سؤال کردن به کار برده می‌شود و معنای:

«چه چیزی، چیست» می‌دهد.



۳ - آشنایی با اصول عقائد

(نام‌ها و اوصاف قیامت)

قرآن مجید برای «معاد» و «روز قیامت»، حداقل هفتاد نام را انتخاب نموده که به جزئیات اوصاف آن روز بزرگ، اشاره می‌کند و این به خاطر آن است که در قیامت، حوادث بسیار مختلف و گوناگونی رخ می‌دهد و هر یک از این حوادث، نشانگر چهره‌ای از آن روز بزرگ می‌باشد.

قرآن برای نشان دادن این ویژگی‌ها که مسلماً آثار تربیتی فوق‌العاده‌ای دارد، از نام‌های گوناگون استفاده نموده تا ترسیم دقیقی در مجموع آیات از آن روز عظیم و حوادث فوق‌العاده و تکان دهنده آن، کرده باشد.

بعضی از نام‌ها و اوصاف «روز قیامت» بدین قرار است:

«يَوْمُ الْفُصْل»: روز جدایی حق از باطل، جدایی صفوف مؤمنان از کافران؛

«يَوْمُ الْبَعْث»: روز رستاخیز، روزی که همه مردگان برانگیخته می‌شوند؛

«يَوْمُ الْحِسَاب»: روزی که تمامی اعمال، مورد محاسبه دقیق قرار می‌گیرد؛

«يَوْمٌ عَظِيم»: روز بزرگی که امور بسیار مهمی در آن، اتفاق می‌افتد؛

«يَوْمُ الْاَلِيم»: روزی که عذابش الیم و بسیار دردناک و همیشگی است؛

«يَوْمُ الدِّين»: روز جزا، روزی که همه به پاداش و کیفر اعمال خود خواهند

رسید؛

«يَوْمٌ عَسِير»: روزی که بر کافران بسیار سخت و طاقت فرسا و دردناک است؛

«يَوْمُ الْحَقِّ»: روز حق، ثابت و پابرجا، انکارناپذیر و حتماً واقع خواهد شد؛

هر یک از این نام‌ها، تابلو بسیار عجیب و تکان‌دهنده و روشن و گویا از آن روز عظیم ترسیم می‌کند، تمام گفتنی‌ها را می‌گوید و سرنوشت همه انسان‌ها را در مواقف محشر در آن روز شرح می‌دهد.

ممکن نیست انسان در مجموعه این نام‌ها تأمل کند و با دیده قبول، آنها را ببیند و اثر تربیتی فوق‌العاده‌ای در او ایجاد نکند.

۴ - آشنایی با زبان قرآن

«اقسام فعل»

«فعل»، بر سه قسم است: «ماضی، مضارع، امر».

«فعل ماضی»: فعلی است که بر حالتی یا انجام کاری در زمان گذشته دلالت کند، مانند: عَلِمَ (دانست، آگاه شد)، نَصَرَ (یاری کرد).

«فعل مضارع»: فعلی است که بر حالتی یا انجام کاری در زمان حال یا آینده دلالت کند، مانند: يَعْلَمُ (می‌داند، آگاه می‌شود)، يَنْصُرُ (یاری می‌کند).

«فعل امر»: فعلی است که بر طلب حالت یا کاری دلالت کند. مانند: اَعْلَمُ (بدان، آگاه شو)، اُنْصُرْ (یاری کن).

صیغه‌های افعال

«صیغه‌های افعال»: با توجه به حالت‌های فاعل که انجام دهنده کار یا پدیدآورنده حالت می‌باشد، «چهارده لفظ یا صیغه» به شرح زیر دارد:

یا فاعل حضور ندارد که به آن «غایب» می‌گویند؛ مانند: او، آنها؛ و یا حاضر است که به آن «مخاطب» می‌گویند؛ مانند: تو، شما.

و هر کدام از آنها نیز بر دو قسم است: مُذَكَّر (مرد) و مُؤنَّث (زن).

و هر یک از مذکر و مؤنث نیز بر سه قسم است: مفرد (یک نفر)، مُثَنَّى (دو نفر)، جمع (پیش از دو نفر).

و یا فاعل، خود گوینده است که به آن «مُتَكَلِّم» می‌گویند؛ در این صورت اگر فعل را تنها به خودش نسبت دهد «مُتَكَلِّمٌ وَحْدَهُ» می‌گویند، مانند: مَنْ، و یا به خود و دیگری نسبت می‌دهد «مُتَكَلِّمٌ مَعَ الْغَيْرِ» می‌گویند، مانند: ما.

یادسپاری: در درس دوم با کاربرد لفظ مشترک «ما» برای دو معنا آشنا شدید:

۱ - «ما» نافیه، مانند: وَمَا مِنْ إِلَهٍ إِلَّا اللَّهُ؛

۲ - «ما» موصوله، مانند: لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ.

کاربرد دیگر لفظ مشترک «ما» برای «استفهام» است؛



اسم استفهام: اسمی است که برای پرسیدن به کار می‌رود.

بعضی از اسم‌های استفهام، عبارتند از:

«ما»، (چه چیزی، چیست)، مانند: وَمَا آدْرُكَ مَا يَوْمَ الدِّينِ (۲۰/۳۷).

«مَنْ»^۱ (چه کسی)، مانند: قُلْ مَنْ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ (۳۱/۱۰).

«كَيْفَ»، (چگونه)، مانند: أَفَلَا يَنْظُرُونَ إِلَى الْإِبِلِ كَيْفَ خُلِقَتْ (۱۷/۸).

«أَيُّ»، (کدام، چه)، مانند: قُلْ أَيُّ شَيْءٍ أَكْبَرُ شَهَادَةً (۱۹/۶).

۱. «مَنْ» نیز از الفاظ مشترک است، «مَنْ» موصوله، (کسی که، هر آن کس که)، مانند: لِلَّهِ

مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ؛ «مَنْ» استفهامیه، (چه کسی)، مانند: «قُلْ مَنْ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ».

۵ - آشنایی با قرآن در منزل

۱ - ۵ - آیات و عبارات زیر را قرائت نموده و سپس ترجمه کنید:

ذَلِكَ الْيَوْمُ الْحَقُّ (۳۹/۷۸)

إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ (۱۷/۴۰)

يَقُولُ الْكَافِرُونَ هَذَا يَوْمٌ عَسِرٌ (۸/۵۴)

ثُمَّ إِنَّكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ تُبْعَثُونَ (۱۶/۳۳)

إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ أَلِيمٍ (۲۶/۱۱)

فَلِلَّهِ الْحَمْدُ رَبِّ السَّمَوَاتِ وَرَبِّ الْأَرْضِ رَبِّ الْعَالَمِينَ (۳۶/۴۵)

نَبِيِّ عِبَادِي أَنِّي أَنَا الْغَفُورُ الرَّحِيمِ وَأَنَّ عَذَابِي هُوَ الْعَذَابُ الْأَلِيمُ (۵۰/۱۵)

يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِن كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِّنَ الْبَعْثِ فَإِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ تُرَابٍ.

وَخَلَقَ اللَّهُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ وَلِتُجْزَىٰ كُلُّ نَفْسٍ بِمَا

كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ (۲۲/۴۵)

۲ - ۵ - دو صفحه از قرآن را با دقت و به صورت شمرده بخوانید، در هنگام

قرائت به معانی کلماتی که به ذهن سپرده‌اید، توجه فرمایید.

۳ - ۵ - افعال بر چند قسم است، با ذکر مثال برای هر مورد.

۴ - ۵ - هر یک از افعال، چند لفظ و صیغه دارند، مشروحاً توضیح دهید.

۵ - ۵ - از معنای آیات مربوط به اسامی روز قیامت، چه فهمیدید، به صورت

فشرده در چند سطر بنویسید.

درس هشتم

دلائل اثبات معاد

۱ - معانی کلمات زیر را به خاطر بسپارید تا به راحتی بتوانید آیات و عبارات درس را ترجمه کنید.

رَمِيم: پوسیده	ءَاثَار: (جمع اَثَر) نشانه ها
شُرَكَاء: (جمع شَرِيك)، شریکانتان	اَكْبَر: بزرگ تر
طِفْل: نوزاد	اَكْثَر: بیشتر
طَوْبِي: خَیر و خوشی، خوشبختی	اَنْ يَخْلُق: اینکه بیافریند
عِظَام: (جمع عَظْم)، استخوان ها	اَنْشَأَ: ایجاد کرد، تربیت کرد
قَادِر: توانا، قدرتمند	اَنْظُر: بنگر، نگاه کن
مُحْيِي: زنده کننده	اَهْوَن: آسان تر
مَيِّت: مُرده (مَوْت: مردن)	اَوَّلَ مَرَّةً: اولین بار
خُجِرْجُ: خارج می کنیم	بَلَى: بله، آری
يَبْدَأُ: آغاز می کند، ایجاد می کند	تُخْرِجُون: خارج می شوید
يُخْرِجُ: خارج می سازد	تُرَاب: خاک
يَرَوْ: دیدند	خَلَقَ: آفرینش، آفریدن (خَلَقَ: آفرید)
يُعِيد: باز می گرداند	دَكَّرَ: یادآوری کرد، به یاد آورد

۲ - آیات و عبارات زیر را قرائت نموده و سپس ترجمه کنید:

اللَّهُ يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ ثُمَّ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ (۱۱/۳۰)
وَهُوَ الَّذِي يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ وَهُوَ أَهْوَنُ عَلَيْهِ (۳۷/۳۰)
أَوَلَيْسَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ بِقَادِرٍ عَلَى أَنْ يَخْلُقَ مِثْلَهُمْ
بَلَىٰ وَهُوَ الْخَلَّاقُ الْعَلِيمُ ^(۱) (۸۱/۳۱).
لَخَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ أَكْبَرُ مِنْ خَلْقِ النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ
النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ (۵۷/۴۰)
إِنَّهُ يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ لِيَجْزِيَ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ
بِالْقِسْطِ (۴/۱۰)
يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَيُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَيُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ
مَوْتِهَا وَكَذَلِكَ تَخْرُجُونَ (۱۹/۳۰)
فَانْظُرْ إِلَىٰ ءَاثَارِ رَحْمَتِ اللَّهِ كَيْفَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا إِنَّ ذَٰلِكَ
لَمُعْجِزٌ لِّلْمُوتَىٰ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (۵۰/۳۰)
يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِن كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِّنَ الْبَعْثِ فَإِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِّن
تُرَابٍ ثُمَّ مِّن نُّطْفَةٍ ثُمَّ... ثُمَّ نُخْرِجُكُمْ طِفْلًا... ذَٰلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ هُوَ
الْحَقُّ وَأَنَّهُ يُحْيِي الْمَوْتَىٰ وَأَنَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (۶۰/۳۲)
امیرالمؤمنین علیه السلام: طوبی لمن ذکر المعاد وعمل للحساب (نهج البلاغه/قصار: ۴۴)

۱. أو لیسَ = آ حرف استفهام (آیا) + وَ + لیسَ = و آیا نیست؛ بِقَادِرٍ = بِ + قادر.



۳ - آشنایی با اصول عقائد

(دلائل اثبات معاد)

در قرآن مجید برای اثبات امکان معاد، راه‌های فراوانی وجود دارد که در شکل استدلال منطقی عرضه شده است، از جمله آنها:

۱ - یادآوری آفرینش نخستین ﴿هُوَ الَّذِي يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ وَهُوَ أَهْوَنُ عَلَيْهِ﴾؛ یکی از علل اصلی انکار مخالفان معاد، بی‌توجهی و غفلت از آفرینش نخستین انسان‌ها می‌باشد که خداوند در پاسخ می‌فرماید: کسی که آفرینش را آغاز کرده، بازگرداندن دوباره آن برای او آسان‌تر است؛ بی‌شک این سخن از دیدگاه بندگان و با منطق آنهاست و الا در برابر قدرت مطلقه و بی‌پایان خداوند، آسان و مشکل مفهومی ندارد و همه چیز برای او یکسان است.

۲ - قدرت بی‌پایان خداوند ﴿أَوَلَيْسَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ بِقَادِرٍ عَلَىٰ أَنْ يَخْلُقَ مِثْلَهُمْ﴾؛ یکی از صفات خداوند متعال، قدرت بی‌پایان اوست که در بحث صفات خداوند بیان گردید، با قبول چنین اصلی، جای سؤال باقی نمی‌ماند که چگونه انسان‌ها دو مرتبه زنده می‌شوند.

۳ - زندگی پس از مرگ گیاهان ﴿وَيُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَكَذَلِكَ تُخْرَجُونَ﴾؛ قرآن می‌فرماید: شما همواره با چشم خود صحنه‌های معاد را در زندگی روزانه می‌بینید که چگونه موجوداتی می‌میرند و بار دیگر زنده می‌شوند، این‌ها نمونه‌هایی از رستاخیز بزرگ و احیای مردگان و بازگشت مجدد به زندگی است، آیا باز هم در مسأله معاد در شک و تردید هستید؟

۴ - تطورات جنین؛ بررسی در دگرگونی‌هایی که «نطفه» از زمان قرار گرفتن در جهان مرموز و پیچیده رَحِم تا به هنگام تولد طی می‌کند، در حقیقت هر یک از این مراحل حیات تازه، و نمونه‌ای از معاد است.

اگر دگرگونی‌های شگفت‌انگیز از یکسو دلیل بر وجود مبدأ عالم و قادری است که در تاریکی‌های سه‌گانه رَحِم، این همه نقش‌های شگرف بر آب می‌زند و از سوی دیگر این تحولات، شباهت زیادی به مسأله حیات پس از مرگ دارد، از این رو قرآن مجید در هر دو بحث «توحید و معاد» بر آن تکیه نموده است.

﴿... فَإِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ... ثُمَّ نُخْرِجُكُمْ طِفْلًا... ذَلِكَ بِإِنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ وَأَنَّهُ يُحْيِي الْمَوْتَى...﴾



۴ - آشنایی با زبان قرآن (ساختار فعلی ماضی)

ساختار چهارده گانه فعل ماضی، بر اساس فعل «نَصَرَ».

معنا	فعل	لفظ یا صیغه	
(آن يك مرد) یاری کرد	نَصَرَ	مفرد	غایب مذکر
(آن دو مرد) یاری کردند	نَصَرَا	مثنی	
(آن مردان) یاری کردند	نَصَرُوا	جمع	
(آن يك زن) یاری کرد	نَصَرَتْ	مفرد	غایب مؤنث
(آن دو زن) یاری کردند	نَصَرَتَا	مثنی	
(آن زنان) یاری کردند	نَصَرْنَ	جمع	
(تو يك مرد) یاری کردی	نَصَرْتَ	مفرد	مخاطب مذکر
(شما دو مرد) یاری کردید	نَصَرْتُمَا	مثنی	
(شما مردان) یاری کردید	نَصَرْتُمْ	جمع	
(تو يك زن) یاری کردی	نَصَرْتِ	مفرد	مخاطب مؤنث
(شما دو زن) یاری کردید	نَصَرْتُمَا	مثنی	
(شما زنان) یاری کردید	نَصَرْتُنَّ	جمع	
(من) یاری کردم	نَصَرْتُ	وحده	متکلم
(ما) یاری کردیم	نَصَرْنَا	مع الغير	

یادسپاری: با کمی دقت در صیغه‌های فعل ماضی، متوجه می‌شویم که اختلاف معانی صیغه‌ها، به خاطر نشانه‌هایی است که به آخر هر یک از آنها اضافه شده است.

این نشانه‌ها، انواع فاعل را مشخص می‌سازند که به آنها ضمائر فاعلی گفته می‌شود.

ضمائر فاعلی یا بارز و آشکار است، مانند: «الف» در: **نَصَرَا وَنَصَرَتَا** (تاء نشانه مؤنث بودن فاعل است)؛ و واو در: **نَصَرُوا**^(۱)؛ و نون در: **نَصَرْنَ** و...
و یا مستتر و پنهان است، مانند **هُوَ** در: **نَصَرَ**؛ و **هِيَ** در: **نَصَرَتْ**.

۵ - آشنایی با قرآن در منزل

۱ - ۵ - آیات و عبارات زیر را قرائت نموده و سپس ترجمه کنید:

قُلْ هَلْ مِنْ شُرَكَائِكُمْ مَنْ يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ قُلِ اللَّهُ يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ (۳۴/۱۰)

وَ خَلَقَ اللَّهُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ وَ لِيُجْزِيَ كُلَّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ وَ هُمْ لَا يُظْلَمُونَ (۲۲/۴۵)

قَالَ مَنْ يُحْيِي الْعِظَامَ وَ هِيَ رَمِيمٌ قُلْ يُحْيِيهَا الَّذِي أَنْشَأَهَا أَوَّلَ مَرَّةٍ وَ هُوَ بِكُلِّ خَلْقٍ عَلِيمٌ (۷۹/۳۶ - ۷۸/۷۹)

أَوَلَمْ يَرَوْا كَيْفَ يُبْدِئُ اللَّهُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ إِنَّ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ

۲ - ۵ - دو صفحه از قرآن را با دقت و به صورت شمرده بخوانید، در هنگام قرائت به معانی کلمات که به ذهن سپرده‌اید، توجه فرمایید؛

۳ - ۵ - چهارده صیغه افعال «عَلِمَ» (دانست)، «كَتَبَ» (نوشت) را بنویسید با معانی آنها؛

۴ - ۵ - چهارده فعل ماضی، چند ضمیر بارز و چند ضمیر مستتر دارند؟

۵ - ۵ - از معانی آیات مربوط به «دلائل اثبات معاد»، چه فهمیدید، به صورت فشرده در چند سطر بنویسید.

۱. در زبان عرب، بعد از واو جمع، الفی می‌آورند تا واو جمع از غیر جمع تمیز داده می‌شود، (نَصَرُوا قَالَ)، (نَصَرُوا قَالَ).

درس نهم

ضرورت بعثت انبیاء

۱ - معانی کلمات زیر را به خاطر بسپارید تا به راحتی بتوانید آیات و عبارات درس را ترجمه کنید.

ضَلال: گمراهی، انحراف	آیَات: (جمع آیه) نشانه، معجزه
کِتَاب: کتاب، کتاب‌های آسمانی	إِبْعَث: برانگیز، بفرست
لَمْ یُحْلِ: رها نساخته است	اِخْتَلَفُوا: اختلاف کردند
مُبَشِّرین: (جمع مُبَشِّر و بَشیر)	أَرْسَلْنَا: فرستادیم
بشارت دهنده	أُمَّة: اُمّت، جماعت
مُبین: آشکار، روشن	أُمّیین: (جمع اُمّی) درس ناخوانده
مُرسل: فرستاده شده	إِنْ: اگر، اگرچه (أَنْ: این که)
مُنذِرین: (جمع مُنذِر و نَذیر) بیم دهنده	أَنْبِیاء: (جمع نَبیّ) پیامبران
مُنزَل: نازل شده	أَنْزَلْنَا: فرو فرستادیم، نازل کردیم
میزان: ترازو، وسیله سنجش	بَعَثَ: فرستاد، برانگیخت
یَتْلُوا: تلاوت می کند	بَیِّنَات: (جمع بَیِّنَه) برهان و دلیل روشن
یُزَكِّی: پاک می کند	حُجَّة: حجت، دلیل، برهان
یُعَلِّمُ: می آموزد، آموزش می دهد	حِکْمَة: گفتار یا کردار درست
یَقُومُ: به پا می دارد، برمی خیزد	رُسُل: (جمع رسول) پیامبر، فرستاده

۲ - آیات و عبارات زیر را قرائت نموده و سپس ترجمه کنید:

يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ الرَّسُولُ بِالْحَقِّ مِنْ رَبِّكُمْ (۱۷۰/۴)
 إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِتَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ (۱۰۵/۴)
 رَسُولًا مُبَشِّرِينَ وَمُنْذِرِينَ لِئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ
 وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا (۱۶۵/۴).
 لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ
 النَّاسُ بِالْقِسْطِ (۲۵/۵۷).
 هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ
 وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي
 ضَلَالٍ مُبِينٍ (۲/۶۲).
 كَمَا أَرْسَلْنَا فِيكُمْ رَسُولًا مِنْكُمْ يَتْلُوا عَلَيْكُمْ آيَاتِنَا وَيُزَكِّيكُمْ وَ
 يُعَلِّمُكُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُعَلِّمُكُم مَّا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ^(۱).
 كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنْذِرِينَ وَأَنْزَلَ
 مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ فِي مَا اخْتَلَفُوا فِيهِ (۲۱۳/۲).
 رَبَّنَا وَابْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِكَ وَيُعَلِّمُهُمُ
 الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُزَكِّيهِمْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (۱۲۹/۲).
 أميرالمؤمنين عليه السلام: وَلَمْ يُخَلِّ اللَّهُ سُبْحَانَهُ خَلْقَهُ مِنْ نَبِيٍّ مُرْسَلٍ، أَوْ
 كِتَابٍ مُنْزَلٍ، أَوْ... (نهج البلاغه/خطبه ۲).

۱. ۱۵۱/۲؛ مَا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ: آنچه را که نمی دانستید (توضیح بیشتر صفحه ۵۸).



۳ - آشنایی با اصول عقائد

(ضرورت بعثت انبیاء)

انسان وقتی که به جهان آفرینش نظر می‌کند، نمی‌تواند باور نماید که جهان آفرینش بی‌هدف آفریده شده باشد؛ و در مبحث خداشناسی روشن گردید که خداوند حکیم، جهان را برای هدفی آفریده است.

هدف از خلقت انسان‌ها «تکامل ابدی و داشتن زندگی جاودانه» است.

انسان‌ها حداکثر با عقل خود می‌توانند مسائل مربوط به زندگی دنیوی را درک نمایند، اما در مسائل مربوط به سعادت و کمال، آینده‌ی زندگی و جهان گسترده‌ی پس از مرگ، ناتوانند، از این‌رو خداوند حکیم، پیامبرانی معصوم را برای راهنمایی انسان‌ها جهت رسیدن به کمال واقعی فرستاد است ﴿وَيُزَكِّيْكُمْ وَ يُعَلِّمُكُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُعَلِّمُكُم مَّا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ﴾.

یکی دیگر از اهداف بعثت انبیاء، «برقراری عدالت اجتماعی در جامعه» است، و خداوند پیامبرانی را فرستاد با دلائلی روشن «بینات» که شامل معجزات و دلائل عقلی بر حقانیت دعوت آنهاست، همراه با «کتاب» که شامل بیان معارف و عقائد و احکام و اخلاق است، و «میزان» که به معنی قوانینی است که معیار سنجش نیکی‌ها و بدی‌ها و حق از باطل می‌باشد، تا جوامع انسانی بر اثر تربیت انبیاء، عدل و داد را در جامعه برقرار سازند ﴿لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ﴾.

یکی دیگر از اهداف بعثت انبیاء، «اتمام حجت» بر انسان‌های لجوج و خودخواهی است که دعوت انبیاء را مخالف منافع اعمال خویش می‌بینند و از پذیرش آن سرباز می‌زنند؛ تا روز قیامت، ادعا نکنند که اگر پیامبران الهی آمده بودند، با آغوش باز از آنها استقبال می‌کردیم، ﴿لَئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ﴾.

۴ - آشنایی با زبان قرآن

(ساختار فعل مضارع)

«فعل مضارع»، از «فعل ماضی» ساخته می‌شود به این ترتیب:

۱ - یکی از حروف مضارعه «ی، ت، ا، ن» را بر سر فعل ماضی می‌آوریم؛

۲ - فاء الفعل آن را ساکن می‌کنیم؛

۳ - عین الفعل را با مراجعه به «لغت‌نامه» تغییر می‌دهیم؛

۴ - آخر آن را رفع می‌دهیم (رفع دادن به اضافه کردن ضمه یا نون مفتوح و

مکسور به آخر آن می‌باشد مانند: یَضْرِبُ، یَضْرِبَانِ، یَضْرِبُونَ)؛

معنا	فعل	لفظ یا صیغه	
(آن يك مرد) یاری می‌کند	يَنْصُرُ	مفرد	غایب مذکر
(آن دو مرد) یاری می‌کنند	يَنْصُرَانِ	مُثَنِّي	
(آن مردان) یاری می‌کنند	يَنْصُرُونَ	جمع	
(آن يك زن) یاری می‌کند	تَنْصُرُ	مفرد	غایب مؤنث
(آن دو زن) یاری می‌کنند	تَنْصُرَانِ	مُثَنِّي	
(آن زنان) یاری می‌کنند	تَنْصُرْنَ	جمع	
(تو يك مرد) یاری می‌کنی	تَنْصُرُ	مفرد	مخاطب مذکر
(شما دو مرد) یاری می‌کنید	تَنْصُرَانِ	مُثَنِّي	
(شما مردان) یاری می‌کنید	تَنْصُرُونَ	جمع	
(تو يك زن) یاری می‌کنی	تَنْصُرُ	مفرد	مخاطب مؤنث
(شما دو زن) یاری می‌کنید	تَنْصُرَانِ	مُثَنِّي	
(شما زنان) یاری می‌کنید	تَنْصُرْنَ	جمع	



متکلم	وحده مع الغير	أَنْصُرُ نَنْصُرُ	(مَنْ) یاری می‌کنم (ما) یاری می‌کنیم
-------	------------------	----------------------	---

چند نکته:

۱ - ضمیر فاعلی در مضارع نیز یا بارز و آشکار است؛ مانند: «الف» در مُثْنِیَّ هَای مذکر و مؤنث (يَضْرِبَانِ، تَضْرِبَانِ)، «واو» در جمع‌های مذکر (يَضْرِبُونَ، تَضْرِبُونَ)، «نون» در جمع‌های مؤنث (يَضْرِبْنَ، تَضْرِبْنَ)، «ی» در مفرد مؤنث مخالط (تَضْرِبِينَ).

و یا ضمیر فاعلی مستتر و پنهان است؛ مانند: «هُوَ» در يَضْرِبُ (مفرد، مذکر، غایب)، «هِيَ» در تَضْرِبُ (مفرد مؤنث غایب)، «أَنْتَ» در تَضْرِبُ (مفرد مذکر مخاطب)، «أَنَا» در أَضْرِبُ (متکلم وحده) و «نَحْنُ» در نَضْرِبُ (متکلم مع الغير).

۲ - لفظ «كَانَ» و مشتقات آن (از فعل ماضی و مضارع) وقتی بر سر فعلی (ماضی یا مضارع) بیایند، دلالت بر استمرار می‌کند؛ مانند: لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ، (نمی‌دانستید).

برای ساختن ماضی استمراری، باید صیغه فعل «كَانَ» با فعل «ماضی و مضارعی» که بعد از آن واقع می‌شود، همانند و یکسان باشند؛ مانند: كَانَ يَكْتُبُ (می‌نوشت)؛ كُنْتُ أَكْتُبُ (می‌نوشتم)؛ كُنْتُمْ تَكْتُبُونَ (می‌نوشتید).

۱. در «يَضْرِبَانِ»، الف نشانه «مثنی» بودن فعل و نون مسکور، نشانه مرفوع بودن می‌باشد و همچنین در «يَضْرِبُونَ»، واو نشانه «جمع» بودن فعل و نون مفتوح نشانه مرفوع بودن آن است.

۵ - آشنایی با قرآن در منزل

۱ - ۵ - آیات و عبارات زیر را قرائت نموده و سپس ترجمه کنید:

وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ (۱۴۴/۳)

قَالَ إِنَّمَا أَنَا رَسُولُ رَبِّكِ (۱۹/۱۹)

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا فِيهِمْ مُنْذِرِينَ (۷۲/۳۷)

وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ (۱۰۷/۲۱)

إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَنَذِيرًا (۲۴/۳۵)

كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ (۱/۱۴)

وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ^(۱)

فَأَرْسَلْنَا فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُم مِّنْ إِلَهِ غَيْرُهُ (۳۲/۲۳)

بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَ

يُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ^(۲)

۲ - ۵ - دو صفحه از قرآن را با دقت و به صورت شمرده بخوانید، در هنگام

قرائت به معانی کلماتی که به ذهن سپرده‌اید، توجه فرمایید؛

۳ - ۵ - چهارده صیغه افعال «يُحْكُمُ وَيَجْمَعُ» را بنویسید با معانی آنها؛

۴ - ۵ - چهارده فعل مضارع، چند ضمیر بارز و چند ضمیر مستتر دارند؟

۵ - ۵ - از معانی آیات مربوط به «ضرورت بعثت انبیاء» چه فهمیدید، به

صورت فشرده در چند سطر بنویسید.

۱. (۳۶/۱۶) اجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ = از طاغوت اجتناب (دوری) کنید.

درس دهم

راه‌های شناخت پیامبران

۱ - معانی کلمات زیر را به خاطر بسپارید تا به راحتی بتوانید آیات و عبارات درس را ترجمه کنید.

إِجْتَمَعَتْ: جمع شود	مُبْطِلُونَ: باطل‌گرایان، اهل باطل
أَخ: برادر	مُبِين: روشن (سلطان‌مبین: دلیل روشن)
إِرْتَاب: شک و تردید کرد	مُصَدِّق: تصدیق‌کننده
أَعْطَى: عطا کرد، دادن چیزی	مَعْرُوف: خوب، پسندیده
أَعْظَم: بزرگتر	مَكْتُوب: نوشته شده
أَنْ يَأْتُوا: این که بیاورند	مُنْكَر: ناشایست، ناخوشایند
إِنْس: انسان	مُؤْمِنِينَ: (جمع مؤمن) ایمان‌آوردندگان
بَيْنَ يَدَيَّ: میان دو دستم (پیش روی من)	نَاقَة: شتر ماده
بَيِّنَات: (جمع بَيِّنَة) دلیل روشن (معجزه)	يَأْتِي: می‌آید
خَطُّ: می‌نویسی	يَتَّبِعُونَ: پیروی می‌کنند
جَاءَتْ: آمد	يَجِدُونَ: می‌یابند
جِئْتُكُمْ بِ: آوردم بسوی شما	يَمِين: دست راست
ظَهَرَ: پشتیبان	يَنْهَى: نهی می‌کند
لَا يَأْتُونَ: نمی‌توانند بیاورند	

۲ - آیات و عبارات زیر را قرائت نموده و سپس ترجمه کنید:

وَرَسُولًا إِلَىٰ بَنِي إِسْرَٰئِيلَ أَنِّي قَدْ جِئْتُكُمْ بِآيَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ... إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ (۴۹/۳).

وَإِلَىٰ ثَمُودَ أَخَاهُمْ صَالِحًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَٰهِ غَيْرُهُ قَدْ جَاءَتْكُمْ بَيِّنَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ هَذِهِ نَاقَةُ اللَّهِ لَكُمْ غَايَةٌ (۷۳/۷).

قُلْ لِّئِنْ^(۱) اجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ عَلَيَّ أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَٰذَا الْقُرْآنِ لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ وَلَوْ كَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيرًا (۸۸/۱۷).

وَكَذَٰلِكَ أَنزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ... وَ مَا كُنْتَ تَتْلُوا مِنْ قَبْلِهِ مِنْ كِتَابٍ وَلَا تَخُطُّهُ بِيَمِينِكَ إِذَا لَا رُتَابَ الْمُبْطِلُونَ (۴۸/۲۹).

وَإِذْ قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ يَا بَنِي إِسْرَٰئِيلَ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيَّ مِنَ التَّوْرَةِ وَ مُبَشِّرًا بِرَسُولٍ يَأْتِي مِنْ بَعْدِي اسْمُهُ أَحْمَدُ (۶۱/۶۱).

الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ (۱۰۷/۷).

حسن بن علی العسکری علیه السلام: وَمَا آيَةٌ أُعْطَاهَا اللَّهُ مُوسَى عليه السلام وَلَا غَيْرَهُ مِنَ الْأَنْبِيَاءِ إِلَّا وَقَدْ أَعْطَى اللَّهُ مُحَمَّدًا مِثْلَهَا أَوْ أَعْظَمَ مِنْهَا (بحار/۱۷/۳۶۰).

۱. لِّئِنْ = لَ + إِنَّ.



۳ - آشنایی با اصول عقائد

(راه‌های شناخت پیامبران)

بدون شک هیچ ادعایی را بدون دلیل نمی‌توان پذیرفت، به ویژه ادعای بسیار مهمی همچون پیامبری از طرف خداوند متعال، از این‌رو معیارهایی برای شناخت پیامبران راستین از مدعیان دروغین، لازم است که یکی از آنها «اعجاز» می‌باشد.

«اعجاز»، یعنی: «انجام امور خارق العاده‌ای که از توانایی بشر بیرون است» و مدّعی نبوت آن را برای اثبات ارتباط خود با خداوند متعال انجام می‌دهد و همه را برای مقابله و معارضه دعوت می‌نماید ﴿قُلْ لِّئِنْ اجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَالْجِنَّ عَلَىٰ أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ﴾.

راه دوم برای شناخت پیامبر، آن است که پیامبر قبلی که نبوت او با دلیل ثابت شده با ذکر نام و مشخصات، پیامبر آینده را معرفی نماید ﴿وَمُبَشِّرًا بِرَسُولٍ يَأْتِي مِنْ بَعْدِي اسْمُهُ أَحْمَدُ﴾.

راه سوم برای شناخت پیامبر، قرائن و شواهدی است که در مجموع، موجب یقین به پیامبری و رسالت مدّعی نبوت می‌شود؛ از جمله:

۱ - بررسی خصوصیات روحی و اخلاقی مدّعی نبوت به طوری که بین مردم، مشهور به پاکی و فضیلت بوده باشد؛

۲ - بررسی محتویات آیین و دستورات او از نظر عقلی و منطبق بودن آیینش با معارف الهی و فضایل انسانی؛

۳ - ثبات و استقامت او در دعوت و مطابقت عمل او با قولش؛

۴ - بررسی وضع پیروان او و شناخت مخالفینش؛

۵ - چگونگی تبلیغ او و همچنین توجه برای اثبات آیینش از چه وسایلی و از چه راه‌هایی استفاده می‌کند.

۴ - آشنایی با زبان قرآن

«حالات فعل ماضی و مضارع»

۱ - فعل ماضی و مضارع، «مثبت» هستند؛ یعنی بر واقع شدن کار یا حالتی دلالت می‌کنند؛ اگر بخواهیم فعل ماضی یا مضارع را «منفی» نماییم، بر سر آنها، «حرف نفی» می‌آوریم.

«حروف نفی»، عبارتند از: «لَنْ، لَمْ، لَا، مَا، إِنْ».

«لَنْ»، فعل مضارع را مختص زمان آینده نموده و آن را منفی نیز می‌کند؛ مانند:

﴿وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَنْ نُؤْمِنَ بِهَذَا الْقُرْآنِ...﴾ (۳۱/۳۴).

﴿وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا﴾ (۱۴۱/۴).

«لَمْ»، فعل مضارع را به ماضی تبدیل نموده و آن را منفی نیز می‌کند؛ مانند:

﴿أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾ (۱۰۶/۲).

﴿وَمَنْ لَمْ يَجْعَلِ اللَّهُ لَهُ نُورًا فَمَا لَهُ مِنْ نُورٍ﴾ (۴۰/۲۴).

«لَا»؛ برای نفی ماضی و آینده است؛ اضافه بر فعل، بر سر اسم هم می‌آید؛ مانند:

﴿فَلَا صَدَقَ وَلَا صَلَّى﴾ (۳۱/۷۵). ﴿وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾ (۳۲/۲).

﴿وَالْهَكْمُ لِلَّهِ وَاحِدٌ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ...﴾ (۱۶۳/۲).

«مَا» و «إِنْ» برای نفی ماضی و حال است؛ و اضافه بر فعل، بر سر اسم هم

می‌آید؛ مانند:

﴿وَمَا كَفَرَ سُلَيْمَانُ وَلَكِنَّ الشَّيَاطِينَ كَفَرُوا...﴾ (۱۰۲/۲).

﴿وَمَا يَكْفُرُ بِهَا إِلَّا الْفَاسِقُونَ﴾ (۹۹/۲). ﴿وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ﴾ (۷۴/۲).

﴿وَلِيَحْلِفْنَ إِنْ أَرَدْنَا إِلَّا الْحُسْنَى﴾ (۱۰۷/۹). ﴿إِنْ يَقُولُونَ إِلَّا كَذِبًا﴾ (۵/۱۸).

﴿إِنَّ الْكَافِرُونَ إِلَّا فِي غُرُورٍ﴾ (۲۰/۶۷).

لازم به یادسپاری است که بعد از «إِنْ» نافی، همیشه «إِلَّا» آمده است؛ از این

رو تمیز دادن آن از «إِنْ شرطیه» که به معنای «اگر» می‌باشد، آسان است.



۵ - آشنایی با قرآن در منزل

۱ - ۵ - آیات و عبارات زیر را قرائت نموده و سپس ترجمه کنید:

وَمَا كَانَ لِرَسُولٍ أَنْ يَأْتِيَ بِآيَةٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ (۳۸/۱۳).
 ثُمَّ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ وَآخَاهُ هَارُونَ بِآيَاتِنَا وَسُلْطَانٍ مُّبِينٍ (۴۵/۳۳).
 وَلَقَدْ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ وَمَا يَكْفُرُ بِهَا إِلَّا الْفَاسِقُونَ (۹۹/۲).
 لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ (۲۵/۵۷).
 وَلَقَدْ جَاءَتْهُمْ رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا كَانُوا لِيُؤْمِنُوا (۱۰۱/۷).
 وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِثْلِهِ (۳۳/۲).
 وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ رُسُلًا إِلَىٰ قَوْمِهِمْ فَجَاءَهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ (۴۷/۳۰).
 وَلَقَدْ جَاءَتْهُمْ رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا كَانُوا لِيُؤْمِنُوا بِمَا كَذَّبُوا مِنْ قَبْلُ (۱۰۱/۷).

۲ - ۵ - دو صفحه از قرآن را با دقت و به صورت شمرده بخوانید، در هنگام قرائت به معانی کلماتی که به ذهن سپرده‌اید، توجه فرمایید؛

۳ - ۵ - برای منفی نمودن کلمات از چه حروفی استفاده می‌شود، با ذکر مثال بنویسید؛

۴ - ۵ - حروف نفی، از نظر زمانی چه تغییراتی در کلمات ایجاد می‌کنند؟

۵ - ۵ - از معانی آیات مربوط به «راه‌های شناخت پیامبران» چه فهمیدید، به صورت فشرده در چند سطر بنویسید.

درس یازدهم

دلائل نبوت پیامبر اسلام ﷺ

۱ - معانی کلمات زیر را به خاطر بسپارید تا به راحتی بتوانید آیات و عبارات درس را ترجمه کنید.

صراط: راه	أَجَرَ: مزد و پاداش
طاعة: طاعت، بندگی، فرمان برداری	أَشَدَّاء: (جمع شدید) سرسخت
طَيِّبَات: (جمع طیب) پاک و پاکیزه	إِصْرٌ: بار سنگین
ظُلُمَات: (جمع ظُلَمَت) تاریکی	أَغْلَال: (جمع غُلّ) زنجیر
عِبَادَة: عبادت، پرستش و بندگی	أَوْثَان: (جمع وَثَن) بُت ها
عَزِيزٌ عَلَيْهِ: سخت و دشوار است براو	أَوْحَيْنَا: وحی کردیم، الهام کردیم
عَنِتُّم: در سختی و مشقت درافتید	حَرِيص: بسیار علاقمند
كُفِيَ: کفایت می کند، کافی است	خَبَائِث: (جمع خبیث) ناپاک
لَا أَسْأَلُ: درخواست نمی کنم	دَاعِيَ: دعوت کننده
مُنِير: نوردهنده، درخشان	ذِكْرِي: تذکرو یادآوری
يُحَرِّمُ: حرام می کند، ممنوع می کند	رَيْب: شک و تردید
يُحِلُّ: حلال می کند	سِرَاج: چراغ روشنی بخش
يَضَعُ: برمی دارد	شَاهِد، شهید: گواه، شاهد



۲ - آیات و عبارات زیر را قرائت نموده و سپس ترجمه کنید:

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا وَذَاعِيًا إِلَى اللَّهِ بِأَذْنِهِ
وَسِرَاجًا مُنِيرًا (۴۴-۴۵/۳۳)

كِتَابٍ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِ رَبِّهِمْ
إِلَى صِرَاطٍ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ (۱/۱۴).

لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ يَتْلُوا
عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا
مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ (۱۶۴/۳).

لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ
بِالْمُؤْمِنِينَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ (۱۲۸/۹).

الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي
التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُحِلُّ
لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَ
الْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ (۱۵۷/۷).

مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ.

امیرالمؤمنین علیه السلام: فَبَعَثَ اللَّهُ مُحَمَّدًا صلی الله علیه و آله بِالْحَقِّ لِيُخْرِجَ عِبَادَهُ مِنْ
عِبَادَةِ الْأَوْثَانِ إِلَى عِبَادَتِهِ وَمِنْ طَاعَةِ الشَّيْطَانِ إِلَى طَاعَتِهِ (نهج البلاغه/خطبه ۱۴۷)

۳ - آشنایی با اصول عقائد

(دلائل نبوت پیامبر اسلام ﷺ)

معیارهایی که برای شناخت پیامبران راستین بیان کردیم، معیار رسالت پیامبر اسلام حضرت محمد بن عبدالله ﷺ نیز می‌باشد که به بررسی آنها می‌پردازیم:

۱ - اعجاز:

قرآن معجزه دایمی پیامبر اسلام ﷺ است که جاویدان و برای همه زمان‌ها و مکان‌ها تا قیامت می‌باشد، قرآن یک معجزه گویاست که برای همیشه مخالفان را به مبارزه دعوت می‌کند و می‌گوید: اگر می‌توانید سوره‌ای مانند آن را بیاورید ﴿وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِّمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِّثْلِهِ﴾؛ و اکنون پیش از چهارده قرن از این دعوت گذشته و هنوز کسی نتوانسته مقابله کند و همانند قرآن را بیاورد و تا قیامت هم نخواهند توانست.

۲ - تصدیق پیامبران پیشین

یکی از راه‌های اثبات ادعای نبوت، تصدیق پیامبر پیشین بود، چرا که فرض بر این است: نبوت پیامبر پیشین با دلایل قطعی ثابت شده و طبعاً گفتار او می‌تواند سندی قاطع بر استواری نبوت بعدی قلمداد شود، قرآن می‌فرماید: نشانه‌های نبوت اسلام در کتاب‌های آسمانی قبل، بیان شده و آنها پیامبر را همچون فرزندان خود می‌شناختند ﴿الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَعْرِفُونَهُ كَمَا يَعْرِفُونَ أَبْنَاءَهُمْ﴾؛ پیامبر گرامی اسلام، مدعی این معنا شد و کسی نیز او را تکذیب نکرد.

۳ - قرائن و شواهد نبوت پیامبر اسلام

مردم قریش پیامبر گرامی اسلام را پیش از مبعوث شدن به رسالت، «محمد امین» خوانده و اشیای گرانها را نزد او به امانت می‌گذاشتند و با آن‌که در محیطی زندگی می‌کرد که جز بُت‌پرستی و ستم و یغماگری حاکم نبود، اما او انسان



والایی بود که به هیچ وجه آلوده به این گونه رذایل عقیدتی و اخلاقی نشده و مردم را بر ضد آنچه که در محیط وی رواج داشت فرا خواند.

ابزار دعوتش کاملاً انسانی و اخلاقی بود و هرگز از روش‌های ضدانسانی استفاده ننمود. در مدت بیست و سه سال، وضع جزیره العرب را دگرگون ساخت و نه تنها تمدن باشکوه را در محیط سکونت خود برپا خاست، بلکه تمدن بی نظیر اسلامی را به مناطق دیگر نیز گسترش داد.

۴ - بررسی محتوای دعوت پیغمبر اسلام ﷺ

یکی از طرق شناخت پیامبران الهی، بررسی محتوای دعوت آنها، یعنی مجموعه معارف، احکام، قوانین و برنامه‌های سازنده انسانی و اخلاقیاتی است که به سوی آن دعوت می‌کردند.

پیامبر گرامی اسلام ﷺ از محیطی برخاست که فاقد هرگونه تمدن انسانی بود، از میان یک قوم نیمه وحشی با انبوهی از خرافات و عادات و رسوم جاهلی، با انواع اختلافات و پراکندگی‌های وحشتناک، و عقائد سخیف و انبوه کینه‌ها و عداوت‌ها؛ با این حال وقتی به تعلیمات او می‌نگریم، مجموعه‌ای از عقائد خالص توحیدی می‌یابیم که بهترین معرفی از خدا و صفات جلال و جمال او را دربر دارد، و مجموعه‌ای از تواریخ انبیاء که مقام والای آنها را آنچنان که شایسته است بیان می‌کند، احکام و قوانینی که ضامن عدالت اجتماعی است و برنامه‌هایی که خالی از خرافات است و اخلاق و ارزش‌هایی که به حق، متمم مکام اخلاق می‌باشد.

آیا امکان دارد چنین تعلیماتی از چنان محیطی آن هم از انسانی درس نخوانده ظهور و بروز کند؟ این خود دلیل روشنی بر حقانیت آورنده آن است.

۴ - آشنایی با زبان قرآن

(حالات فعل ماضی و مضارع)

۲ - فعل ماضی و مضارع، «خبری» هستند، یعنی خبر از واقع شدن یا پدید آمدن حالتی می‌دهند، اگر بخواهیم فعل ماضی و مضارع را به پرسشی (استفهامی) تبدیل نماییم، بر سر آنها، «حروف استفهام» می‌آوریم.

«حروف استفهام»، عبارتند از «أ» و «هَلْ»؛ مانند:

كَفَرْتَ (کفر ورزیدی)، أَكْفَرْتَ (آیا کفر ورزیدی)

﴿أَكْفَرْتَ بِالَّذِي خَلَقَكَ مِنْ تُرَابٍ...﴾ (۳۷/۱۸).

تَقُولُونَ (می‌گویید)، أَتَقُولُونَ (آیا می‌گویید)

﴿أَتَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ﴾ (۶۸/۱۰).

عَلِمْتُمْ (دانستید)، هَلْ عَلِمْتُمْ (آیا دانستید)

﴿قَالَ هَلْ عَلِمْتُمْ مَا فَعَلْتُمْ بِيُوسُفَ وَأَخِيهِ...﴾ (۸۹/۱۲).

يَسْتَوِي (یکسان می‌باشد)، هَلْ يَسْتَوِي (آیا یکسان می‌باشد)

﴿قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ﴾ (۹/۳۹).

۳ - فعل مضارع، از نظر زمان، بین حال و آینده مشترک است، اگر بخواهیم فقط معنای «آینده و مستقبل» دهد، حرف «س» یا «سوف» را بر سر آن می‌آوریم؛ مانند:

يُجْزَوْنَ (جزا داده می‌شوند)، سَيُجْزَوْنَ (به زودی جزا داده می‌شوند)

﴿سَيُجْزَوْنَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾ (۱۸۰/۷).

أَسْتَغْفِرُ (طلب مغفرت می‌کنم)، سَوْفَ أَسْتَغْفِرُ (به زودی طلب مغفرت می‌کنم)

﴿قَالَ سَوْفَ أَسْتَغْفِرُ لَكُمْ رَبِّي﴾ (۹۸/۱۲).



۵ - آشنایی با قرآن در منزل

۱ - ۵ - آیات و عبارات زیر را قرائت نموده و سپس ترجمه کنید:

وَأَرْسَلْنَاكَ لِلنَّاسِ رَسُولًا وَكَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا (۷۹/۴).

قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعًا (۱۵۸/۷).

يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ الرَّسُولُ بِالْحَقِّ مِنْ رَبِّكُمْ (۱۷۰/۴).

وَلَقَدْ جَاءَتْهُمْ رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا كَانُوا لِيُؤْمِنُوا (۱۰۱/۷).

إِنَّا أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ كَمَا أَوْحَيْنَا إِلَى نُوحٍ وَالنَّبِيِّينَ مِنْ بَعْدِهِ (۱۶۳/۴).

قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ (۱۳۸/۶).

وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجَرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ (۱۰۹/۲۶).

لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ (۲۵/۵۷).

إِنَّا أَرْسَلْنَا إِلَيْكُمْ رَسُولًا شَاهِدًا عَلَيْكُمْ كَمَا أَرْسَلْنَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ رَسُولًا

۲ - ۵ - دو - صفحه از قرآن را با دقت و به صورت شمرده بخوانید، در هنگام

قرائت به معانی کلماتی که به ذهن سپرده‌اید، توجه فرمایید؛

۳ - ۵ - برای استفهامی نمودن فعل، از چه کلماتی استفاده می‌شود، با ذکر

مثال بنویسید؛

۴ - ۵ - فعل مضارع، با چه کلماتی دلالت بر آینده می‌کند، با ذکر مثال؛

۵ - ۵ - از معانی آیات مربوط به «دلائل نبوت پیامبر اسلام ﷺ» چه فهمیدید،

به صورت فشرده در چند سطر بنویسید.

درس دوازدهم

خاتمیت پیامبر گرامی اسلام ﷺ

۱ - معانی کلمات زیر را به خاطر بسپارید تا به راحتی بتوانید آیات و عبارات درس را ترجمه کنید:

تَكْفُرُوا: کفر بورزید، کافر شوید	ءَامِنُوا: ایمان بیاورید
تَنْزِيل: نازل شده، فرود آمده	اتَّبِعُوا: پیروی کنید
نَهْتَدُونَ: هدایت شوید	اُخْرَى: دیگری
خَاتَم: آخر، پایان	اَمِين: امانت دار
خَلَف: پشت سر	اِنْ هُوَ اِلَّا: نیست این مگر
رِجَال: (جمع رَجُل) مرد	اُنْذِر: بیم دهم، بترسانم
فُرْقَان: جداکننده حق از باطل (قرآن)	اَوْحَى: وحی شده
كَافَّة: همگی	بَرَىء: بیزار
كَلِمَات: (جمع کلمه) سخن، گفتار	بَشِير: بشارت دهنده، مژده دهنده
لَعَلَّ: شاید، امید است	بَلَغَ: رسید
لِيَكُونَ: تا اینکه باشد	بَيْنَ يَدَيْهِ: نزد او، پیش او
مُتَكَلِّفِينَ: مدعیان دروغگو	تَبَارَكَ: مبارک و پربرکت است
نَقَمَة: عقوبت و عذاب (مقابل نعمت)	تُشْرِكُونَ: شریک قرار می دهید
وَحَى: آنچه که خدا به انبیاء القا می کند	تَشْهَدُونَ: گواهی می دهید (شاهد، گواه)



۲ - آیات و عبارات زیر را قرائت نموده و سپس ترجمه کنید:

مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا^(۱) أَحَدٍ مِنْ رِجَالِكُمْ وَلَكِنْ رَسُولَ اللَّهِ وَ خَاتَمَ
النَّبِيِّينَ وَ كَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا (۴۰/۳۳).

تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلَى عَبْدِهِ لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا (۱/۲۵).
وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ (۱۰۷/۲۱).

قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ^(۲) أَجْرًا إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِّلْعَالَمِينَ (۹۰/۶).
وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِّلنَّاسِ بَشِيرًا وَنَذِيرًا (۲۸/۳۴).

وَ أَوْحَىٰ إِلَىٰ هَٰذَا الْقُرْآنِ لِتُذَكَّرُمْ بِهِ وَ مَنْ بَلَغَ إِنَّكُمْ لَتَشْهَدُونَ أَنَّ مَعَ
اللَّهِ إِلَهَةً أُخْرَىٰ قُلْ لَا أَشْهَدُ قُلْ إِنَّمَا هُوَ إِلَهُ وَاحِدٌ وَ إِنِّي بَرِيءٌ مِّمَّا
تُشْرِكُونَ (۱۹/۶).

وَ إِنَّهُ لَكِتَابٌ عَزِيزٌ لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ لَا مِنْ خَلْفِهِ
تَنْزِيلٌ مِنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ (۴۲/۴۱).

قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعًا الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَوَاتِ
وَ الْأَرْضِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ يُحْيِي وَ يُمِيتُ فَآمِنُوا بِاللَّهِ وَ رَسُولِهِ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ
الَّذِي يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَ كَلِمَاتِهِ وَ اتَّبِعُوهُ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ (۱۵۸/۷).

امیرالمؤمنین علیه السلام: رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله آمِنُ وَحِيهِ وَ خَاتَمُ رُسُلِهِ وَ بَشِيرُ
رَحْمَتِهِ وَ نَذِيرُ نَقْمَتِهِ (نهج البلاغه/خطبه ۱۷۳)

۱. آبا احد: پدر یکی.

۲. اشاره به رسالت پیامبر دارد.

۳ - آشنایی با اصول عقائد

(خاتمیت پیامبر گرامی اسلام ﷺ)

حضرت محمد ﷺ آخرین پیامبر خداست و سلسله نبوت به او ختم می شود و از القاب آن حضرت، «خاتم الانبیاء» است. خاتم به کسر یا فتح تاء (خاتم، خاتم) هر دو به معنای تمامیت و پایان هر چیزی است، از این رو عرب به انگشتر خاتم (به فتح) می گوید؛ چونکه انگشتر در آن زمان، مهر و به منزله امضای افراد بوده و چون نامه ای می نوشتند، آخر آن را با انگشتر خود مهر می کردند.

خاتمیت پیامبر گرامی اسلام از ضروریات اسلام است و هر مسلمانی می داند که بعد از حضرت محمد ﷺ تا قیامت پیامبری نخواهد آمد.

﴿مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِنْ رِجَالِكُمْ وَلَكِنْ رَسُولَ اللَّهِ وَخَاتَمَ النَّبِيِّينَ﴾

ممکن است سؤال شود با اینکه جامعه بشری دائماً در حال تحول و دگرگونی است، چگونه می شود با قوانین ثابت و بدون تغییر پاسخگوی نیازهای جامعه بود و چگونه می شود پیامبر اسلام، خاتم پیامبران باشد و دیگر نیازی به پیامبری نباشد؟

پاسخ آنکه: اسلام دین جامعی است که با فطرت انسان ها هماهنگ می باشد و روشن است که در فطریات هیچگونه تغییری نیست، اضافه بر آن، خداوند بعد از پیامبر اسلام، بشریت را بدون رهبر رها نکرده بلکه امامان معصومی را به عنوان جانشینان آن حضرت قرار داده که راه او را تا قیامت ادامه دهند.

در درس های آینده با فلسفه نصب و تعیین امامان معصوم از طرف خداوند، آشنا خواهیم شد.



۴ - آشنایی با زبان قرآن

(حالات فعل ماضی و مضارع)

۱ - فعل «کان»، (ماضی است و تمامی ساختار چهارگانه آن) بر ثبوت خبر در زمان گذشته دلالت می‌کند، مانند:

﴿إِنَّ قَارُونَ كَانَ مِنْ قَوْمِ مُوسَى﴾ (۷۶/۲۸).

﴿لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ﴾ (۸۷/۲۱).

اما گاهی «کان» بر هر سه زمان دلالت می‌کند و این از قرائن موجود در کلام، فهمیده می‌شود؛ مانند:

﴿إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا﴾^(۱) (۳۰/۷۶).

﴿إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ كَانَ ضَعِيفًا﴾ (۷۶/۴).

۲ - اگر فعل «کان»، (و ساختار چهارگانه آن) بر سر فعل مضارع درآید، بیشتر وقت‌ها معنای مضارع را به ماضی استمراری، تبدیل خواهد کرد؛ مانند:

﴿وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ بِمَا كَانُوا يَكْذِبُونَ﴾ (۱۰/۲).

﴿وَمَا ظَلَمَهُمُ اللَّهُ وَلَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ﴾ (۳۳/۱۶).

یادسپاری: کلمه «آی» در قرآن به معانی زیر به کار رفته است:

۱ - استفهام (کدام، چه...)، مانند:

۱. در مواردی که فعل «کان» برای توصیف خداوند متعال به صفتی به کار رود، «کان» را به «است» ترجمه می‌کنیم، زیرا صفات الهی همیشگی و ثابتند و اختصاص به زمان خاصی ندارد، از این رو ترجمه آیه می‌شود: براستی خداوند دانای باحکمت است.

قُلْ أَيْ شَيْءٍ أَكْبَرُ شَهَادَةً (۱۹/۶).

الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا (۲/۶۷).

۲ - شرطی (هر کدام، هرچه)، که در این صورت به «ما» متصل می شود، مانند:

أَيُّمَّا الْأَجَلَيْنِ قَضَيْتُ فَلَا عُدْوَانَ عَلَيَّ (۲۸/۲۸).

إِنَّمَا مَا تَدْعُوا فَلَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى (۱۱۰/۱۷).

۳ - زائده (و معنا نمی شود)، که در این صورت به ضمیمه حرف «ها» بعد از

«یای نداء» می آید، مانند:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ غَامِنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَغَامِنُوا بِرَسُولِهِ (۲۸/۵۷).

قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ (۱۵۸/۷).



۵ - آشنایی با قرآن در منزل

۱ - ۵ - آیات و عبارات زیر را قرائت نموده و سپس ترجمه کنید:

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ عَلَيْكَ الْكِتَابَ لِلنَّاسِ بِالْحَقِّ (۴۱/۳۹).

وَمَا تَسْأَلُهُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ (۱۰۴/۱۲).

قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ وَ مَا أَنَا مِنَ الْمُتَكَلِّفِينَ إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ
لِلْعَالَمِينَ (۸۷/۳۸).

وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِلنَّاسِ بَشِيرًا وَ نَذِيرًا وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا
يَعْلَمُونَ (۲۸/۳۴).

يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ الرَّسُولُ بِالْحَقِّ مِنْ رَبِّكُمْ فَآمِنُوا خَيْرًا لَكُمْ
وَ إِنْ تَكْفُرُوا فَإِنَّ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ كَانَ اللَّهُ عَلِيمًا
حَكِيمًا (۱۷۱/۴).

۲ - ۵ - دو صفحه از قرآن را با دقت و به صورت شمرده بخوانید، در هنگام

قرائت به معانی کلمات که به ذهن سپرده‌اید، توجه فرمایید.

۳ - ۵ - اگر فعل «کان» و ساختار چهارگانه آن بر سر فعل مضارع درآیند،

بیشتر وقت‌ها زمان فعل مضارع را به چه زمانی تبدیل خواهند کرد؟ با ذکر مثال.

۴ - ۵ - از معانی آیات مربوط به «خاتمیت پیامبر گرامی اسلام ﷺ» چه

فهمیدید؟ به صورت فشرده در چند سطر بنویسید.

درس سیزدهم

امامت

۱ - معانی کلمات زیر را به خاطر بسپارید تا به راحتی بتوانید آیات و عبارات درس را ترجمه کنید.

اُنْزِلَ: نازل شد	اِذْ: هنگامی که، زمانی که
بَلَّغَ: ابلاغ کن (مَابَلَّغْتَ: ابلاغ نکردی)	اِمَام: پیشوا، رهبر
تَفَعَّلَ: انجام دادی	اَوَّلِ الامر: صاحبان امر ^(۱)
(لَمْ تَفْعَلْ: انجام ندادی)	جَاعِل: قرار دهنده
جَاهِدُوا: جهاد کردند	ذُرِّيَّة: فرزندان
رَضِيتُ: راضی شدم، خشنود شدم	رِسَالَة: رسالت، پیام
لَا تَخْشَوْ: نترسید	صَادِقِينَ: (جمع صادق) راستگویان
لَمْ يَرْتَابُوا: شک و تردید نکردند	عَهْد: پیمان
يَيْسُ: ناامید شد	اِبْتَلَى: امتحان کرد، آزمود
يَعِصُمُ: نگه می دارد، حفظ می کند	اَتَمَمْتُ: تمام کردند
يُنَالُ: می رسد (لاینال: نمی رسد)	اَتَمَّ: تمام کرد، انجام رساند
جَاهِلِيَّة: زمان جاهلیت قبل از اسلام	اِخْشَوْن: بترسید از من
مِيْتَة: (مؤنث مَيِّت) مُرده	اَطِيعُوا: اطاعت کنید، پیروی کنید
	اَكْمَلْتُ: کامل کردم

(۱) مراد جانیشان به حق پیامبر می باشند که ائمه معصومین هستند.



۲ - آیات و عبارات زیر را قرائت و سپس ترجمه کنید.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ (۱۱۹/۹).
 وَلَوْ لَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ لَاتَّبَعْتُمُ الشَّيْطَانَ إِلَّا قَلِيلًا (۸۳/۴).
 يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِيَ الْأَمْرِ مِنْكُمْ (۵۹/۴).
 وَإِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا
 قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ (۱۲۴/۲).
 يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَغْتَ
 رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ (۳۷/۵).
 الْيَوْمَ يَنصُرُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنَ الْيَوْمَ
 أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَاتَّمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ
 الْإِسْلَامَ دِينًا... (۳/۵).
 وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَسَتْ مُرْسَلًا قُلْ كَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَ
 بَيْنَكُمْ وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ (۴۳/۱۳).

رسول الله ﷺ: مَنْ مَاتَ وَلَيْسَ لَهُ إِمَامٌ فَمَيِّتَتُهُ مَيِّتَةٌ جَاهِلِيَّةٌ (کافی/۱/۳۶۱)

۱. گاهی «ی» ضمیر متکلم وحده از آخر اسم یا فعلی حذف می شود و به جای آن، کسره حرف قبل، باقی می ماند، در هنگام ترجمه چنین کلماتی، «ی» ضمیر نیز باید ترجمه شود؛ مانند: يَا قَوْمِي = يَا قَوْمِ (ای قوم من)؛ اِحْسَنُونِي = اِحْسَنُونِ (بترسید از من).

۳ - آشنایی با اصول عقائد

(امامت)

«امامت» در مکتب تشیع، یکی از «اصول دین» است و وظایف امام در این مکتب، در راستای وظایف پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله می باشد، یعنی فلسفه بعثت پیامبران با فلسفه نصب و تعیین امام از طرف خداوند یکی است و همان دلائلی که ایجاب می کرد خداوند رسولی را بفرستد، همان ها ایجاب می کند که پس از پیامبر اسلام، امامی را منصوب نماید تا عهده دار وظایف رسالت باشد.

علم وسیع و گسترده، عصمت و مصونیت از گناه و خطا، از شرایط اصلی و اساسی امام است و شناسایی چنین فردی جز از راه وحی ممکن نیست، از این رو شیعه معتقد است که مقام امامت، یک منصب الهی است و امام باید از جانب خداوند منصوب و معین گردد. «وَإِذْ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ» (۱۲۴/۲).

شیعه معتقد است که خداوند، جانشین پیامبر اسلام را معین فرموده و با نزول آیه «تبلیغ» از آن حضرت خواسته تا حضرت علی علیه السلام به عنوان امام معرفی نماید «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ...».

لحن آیه، نشان می دهد که سخن از مأموریت سنگینی است که بر دوش پیامبر صلی الله علیه و آله قرار داده شده و نگرانی های خاصی از هر سو، آن را فرا گرفته است (از جمله مخالفت هایی از سوی گروهی از مردم)، از این رو آیه با تأکید به پیامبر صلی الله علیه و آله فرمان ابلاغ آن را می دهد و در برابر خطرات احتمالی و نگرانی ها به او اطمینان خاطر می دهد.

ظاهر آیه، نشان می دهد که ابلاغ حکمی بوده، همسنگ و هموزن رسالت که اگر ابلاغ نمی شد، حق رسالت، ادا نشده بود، آیا چیزی جز مسأله جانشین و خلافت پیامبر می تواند باشد؟ به ویژه اینکه آیه در اواخر عمر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل



شده است و تناسب با مسأله خلافت دارد که تداوم مسأله نبوت و رسالت پیامبر گرامی اسلام ﷺ می باشد.

از این رو می بینیم بلافاصله، آیه «اکمال دین» نازل می شود ﴿الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتِمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا﴾. که گواه دیگری بر مهم بودن مسأله ابلاغ را می رساند که همان مسأله رهبری و جانشین پیامبر ﷺ می باشد.

اضافه بر آیات فوق، روایات مستند و معتبری در کتاب های اهل سنت در تأیید مطلب فوق آمده که جای هیچگونه شک و تردیدی باقی نمی گذارد.

۴ - آشنایی با زبان قرآن

(ساختار فعل امر ۱)

«امر»، در لغت به معنای: «دستور و فرمان» است و در اصطلاح بر «طلب انجام کار یا پدید آمدن حالتی در زمان آینده» دلالت می کند، مانند:

أَطِيعُوا (اطاعت کنید)، بَلِّغْ (ابلاغ کن)

فعل امر، مانند فعل مضارع دارای چهارده صیغه است و بر دو نوع می باشد:

۱ - امر به لام: شش صیغه غایب و دو صیغه متکلم؛

۲ - امر به صیغه: شش صیغه مخاطب.

نحوه ساختن امر به لام

امر به لام، از شش صیغه غایب و دو صیغه متکلم، به شرح ذیل ساخته می شود:

۱ - لام مکسوری (لِ) را بر سر مضارع درمی آوریم: لِيَضْرِبْ؛

۲ - آخر آن را «جَزَم» می دهیم: لِيَضْرِبْ.

«جزم» در لغت، به معنای «بریدن و قطع کردن» است و در اصطلاح، «حذف علائم رفع (ـُ، نَ، نَ) می‌باشد»، مانند:

يَضْرِبُ - لِيَضْرِبُ - لِيَضْرِبُ (باید بزند)

يَضْرِبَانِ - لِيَضْرِبَانِ - لِيَضْرِبَا (باید بزنید)

يَضْرِبُونَ - لِيَضْرِبُونَ - لِيَضْرِبُوا (باید بزنید)

ساختار هشتگانه امر به لام، بر اساس فعل «نَصَرَ، يَنْصُرُ».

معنا	مؤنث	مذكر	لفظ یا صیغه	
باید یاری کند (آن يك نفر)	لِتَنْصُرْ	لِيَنْصُرْ	مفرد	غایب
باید یاری کنند (آن دو نفر)	لِتَنْصُرَا	لِيَنْصُرَا	مثنی	
باید یاری کنند (آن چند نفر)	لِيَنْصُرْنَ	لِيَنْصُرُوا	جمع	
باید یاری کنم (من)	لِأَنْصُرْ	لِأَنْصُرْ	وحده	متکلم
باید یاری کنیم (ما)	لِنَنْصُرْ	لِنَنْصُرْ	مع الغير	

چند نکته:

۱ - حرف «نون» در «لِيَنْصُرْنَ»، نشانه رفع نیست، بلکه نشانه جمع مؤنث می‌باشد، از این رو حذف نمی‌شود.

۲ - هرگاه قبل از امر به لام، حرف «واو» یا «فاء» بیاید، جایز است لام امر ساکن شود، مانند:

لِيَحْكَمْ - وَلِيَحْكَمْ أَهْلُ الْإِنْجِيلِ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فِيهِ (٤٧/٥).

لِيَعْبُدُوا - فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْبَيْتِ (٣/١٠٦).



۵ - آشنایی با قرآن در منزل

۱ - ۵ - آیات و عبارات زیر را قرائت نموده و سپس ترجمه کنید.

وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَاطِيعُوا الرُّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ^(۱).
وَاطِيعُوا اللَّهَ وَاطِيعُوا الرُّسُولَ فَإِنْ تَوَلَّيْتُمْ فَإِنَّمَا عَلَى رَسُولِنَا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ (۱۲/۶۴).

مَا آتَاكُمُ الرُّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا^(۲) وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ (۷/۵۹).

إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ غَامَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ لَمْ يَرْتَابُوا وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ (۱۵/۴۹).

۲ - ۵ - دو صفحه از قرآن را با دقت و به صورت شمرده بخوانید، و در هنگام قرائت به معانی کلماتی که به ذهن سپرده‌اید، توجه فرمایید.

۳ - ۵ - برای تشکیل «امر به لام» چه مراحل را طی می‌نماییم؟

۴ - ۵ - ساختار هشتگانه «امر به لام»، افعال «يَفْعَلُ» و «يَعِصِمُ» را نوشته و ترجمه و معنی آنها را مقابلشان بنویسید.

۵ - ۵ - از معانی آیات مربوط به «امامت» چه فهمیدید؟ به صورت فشرده در چند سطر بنویسید.

۱. ۵۶/۲۴.

۲. فَانْتَهُوا: پس دست بردارید.

درس چهاردهم

ویژگی‌های امام از نظر قرآن

۱ - معانی کلمات زیر را به خاطر بسپارید تا به راحتی بتوانید آیات و عبارات درس را ترجمه کنید.

قُرْبَى: نزدیکان، خویشاوند	أَبْغَضُ: مبعوض بدار
لَا يَهْدَى: هدایت نمی‌شود	أَحَبُّ: محبوب بدار
لَسْتُ: نیستی	أَحَقُّ: شایسته‌تر، سزاوارتر
مَوَدَّة: دوستی	أَذَاعُوا: پخش کردند، منتشر کردند
وَالِ: دوست بدار (والا: دوستی کند)	إِسْأَلُوا: بپرسید (فَسْأَلُوا: پس بپرسید)
وَلِيّ: سرپرست	أَمْر: کار، چیزی
يُؤْتُونَ: می‌دهند	أَهْلَ الذِّكْرِ: اهل علم، آگاهان
يَتَّبِع: پیروی شود	تَحْكُمُونَ: حکم می‌کنید
يُذْهَبُ: از بین ببرد	تَطْهِير: پاک کردن (يُطَهَّر: پاک کند)
يَسْتَنْبِطُونَ: استنباط می‌کنند،	رَجَس: پلیدی، آلودگی
استخراج می‌کنند	رُدُّوا: بازگردانند، ارجاع دهند
يُقِيمُونَ: به پا می‌دارند	ظَهِير: پشتیبان
يَهْدَى: هدایت می‌کند	عَادٍ: دشمن بدار (عادا: دشمنی کند)



۲ - آیات و عبارات زیر را قرائت و سپس ترجمه کنید.

إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا (۳۳/۳)
فَسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ (۴۳/۱۶).

أَفَمَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمَّنْ لَا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يُهْدَىٰ فَمَا
لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ (۳۵/۱۰).

وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَسْتَ مُرْسَلًا قُلْ كَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَ
بَيْنَكُمْ وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ (۴۳/۱۳).

إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ
يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ (۵۵/۵).

وَإِذَا جَاءَهُمْ أَمْرٌ مِنَ الْأَمْنِ أَوِ الْخَوْفِ أَذَاعُوا بِهِ وَلَوْ رَدُّوهُ إِلَى الرَّسُولِ وَ
إِلَى أُولَى الْأَمْرِ مِنْهُمْ لَعَلِمَهُ الَّذِينَ يَسْتَنْبِطُونَهُ مِنْهُمْ وَلَوْ لَا فَضْلُ اللَّهِ
عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ لَاتَّبَعْتُمُ الشَّيْطَانَ إِلَّا قَلِيلًا (۸۳/۴).

قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ (۳۳/۴۲).

قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِلَّا مَنْ شَاءَ أَنْ يَتَّخِذَ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا (۵۷/۲۵)

رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: فَمَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلِيَ مَوْلَاهُ، اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ
وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ وَاحِبِّ مَنْ أَحَبَّهُ وَابْغِضْ مَنْ أَبْغَضَهُ (تفسير نمونه/ ۱۸۲/۹)

۳ - آشنایی با اصول عقائد

«ویژگی‌های امام از نظر قرآن»

«امام» به عنوان جانشین پیامبر، حافظ و نگهبان دین و تبیین کننده اصول و فروع و تعقیب کننده تمام وظایف مقام نبوت است؛ از این رو باید از هر خطا و لغزشی، معصوم بوده و أعلم و أفضل از همه انسان‌ها باشد. و مردم قطعاً نمی‌توانند چنین شخصی را انتخاب نمایند، پس تنها خداوند متعال که از باطن و آینده همه انسان‌ها آگاه است، سزاوارترین شخص را برای امامت انتخاب و شئون لازم را به او عنایت نموده و به مردم معرفی می‌نماید.

از نظر قرآن، سنت و ضرورت عقلی، «عصمت» یکی از شرایط اساسی امامت می‌باشد و غیر معصوم هرگز لایق این مقام نمی‌باشد، به دلائلی که در بحث نبوت برای لزوم عصمت انبیاء، بیان شد.

طبق احادیث متواتر و بی‌شماری که از طریق شیعه و اهل سنت وارد شده است، «آیه تطهیر»، درباره پیامبر و اهل بیت آن حضرت علیهم‌السلام نازل شده است. ﴿إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا﴾.

اضافه بر آن، امام باید احکام و قوانینی که برای سعادت دنیوی و اخروی مردم، ضرورت دارد بداند، یعنی امام باید از همه مردم روی زمین، علمش بیشتر باشد تا لیاقت رهبری آنها را داشته باشد؛ قرآن به این موضوع، اینگونه اشاره می‌کند: ﴿أَفَمَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمَّنْ لَا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يَهْدَىٰ فَمَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ﴾.

شیعه بر این عقیده است که خداوند متعال، در زمان پیامبر گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم با نزول آیاتی، ویژگی‌های امام و جانشین آن حضرت را معرفی فرموده است، از جمله آیه ﴿إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ﴾.



مفسرین سنی و شیعه، اتفاق دارند که آیه مذکور در شأن امام علی بن ابی طالب علیه السلام نازل شده است و روایات بسیاری از عامّه و خاصّه نیز بر آن دلالت دارد.

و با نزول «آیه تبلیغ» از پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله خواسته است تا حضرت علی علیه السلام را به عنوان امام و جانشین خود معرفی نماید. «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ»

۴ - آشنایی با زبان قرآن

«ساختار فعل امر (۲)»

در درس قبل با نحوه ساختن «امر به لام» آشنا شدیم، در این درس با نحوه ساختن «امر به صیغه» آشنا خواهیم شد.

نحوه ساختن امر به صیغه

«امر به صیغه»، از شش صیغه مخاطب فعل مضارع به ترتیب ذیل ساخته می شود:

۱ - حرف مضارعه (ت) را از اوّل آن برمی داریم:

تُبَلِّغُ - بَلِّغُ تَضْرِبُ - ضَرْبُ

۲ - علایم رفع را از آخر آن، حذف می نماییم:

بَلِّغْ - بَلِّغْ ضَرْبْ - ضَرْبْ

۳ - پس از حذف حرف مضارعه، اگر اولین حرف، ساکن باشد، برای پرهیز از ابتدای به ساکن، «همزه متحرکی» به نام «همزه وصل» بر سر آن می آوریم (چرا که ابتدا به ساکن در عربی مشکل و یا غیرممکن است)، به این صورت:

ضَرْبْ - اِضْرِبْ

ویژگی‌های «همزه وصل» این است که در ابتدا کلام، خوانده می‌شود ولی در وسط کلام، خوانده نمی‌شود، چرا که حرف ساکن به کمک حرف متحرک قبل از خود خوانده می‌شود، مانند:

أَنْظُرْ كَيْفَ ضَرَبُوا لَكَ الْأَمْثَالَ (۱/۲۰)؛ فَانْظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الظَّالِمِينَ (۳۹/۱۰)

یادسپاری: حرکت همزه وصل، بستگی به حرکت «عین الفعل مضاع» و یا دومین حرف بعد از همزه وصل دارد.

اگر عین الفعل مضارع و یا دومین حرف بعد از همزه وصل، مفتوح یا مکسور باشد، همزه وصل را با کسره می‌خوانیم، مانند:

تَضْرِبُ - ضَرِبَ - اضْرِبْ ؛ تَعْلِمُ - عَلِمَ - اَعْلَمْ

اگر عین الفعل مضارع و یا دومین حرف بعد از همزه وصل، مضموم باشد، همزه وصل را با ضمه می‌خوانیم، مانند:

تَنْصُرُ - نَصَرَ - اَنْصُرْ

ساختار ششگانه امر به صیغه، بر اساس فعل «نَصَرَ، يَنْصُرُ».

معنا	مؤنث	مذكر	لفظ یا صیغه	
یاری کن (یک نفر)	اَنْصُرِي	اَنْصُرْ	مفرد	مخاطب
یاری کنید (شما دو نفر)	اَنْصُرَا	اَنْصُرَا	مثنی	
یاری کنید (شما چند نفر)	اَنْصُرْنَ	اَنْصُرُوا	جمع	

یادسپاری: افعالی که حرف آخر آنها حروف مدی (ا، ی، و) است، به جای ساکن کردن حرف آخر فعل، حروف مدی (ا، ی، و) حذف شده و حرکت حرف قبل، باقی می‌ماند؛ مانند: تَتَوَقَّى = تَوَقَّى، تَهْدِي = تَهْدِ، تَدْعُوا = تَدْعُ.



۵ - آشنایی با قرآن در منزل

۱ - ۵ - آیات و عبارات زیر را قرائت نموده و سپس ترجمه کنید.

وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجَرِيَ إِلَّا عَلَىٰ رَبِّ الْعَالَمِينَ (۱۰۹/۲۶).
 قُلْ مَا سَأَلْتُكُمْ مِنْ أَجْرٍ فَهُوَ لَكُمْ إِنْ أَجَرِيَ إِلَّا عَلَى اللَّهِ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ (۴۷/۳۴).

وَإِنْ تَظَاهَرَا^(۱) عَلَيْهِ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ مَوْلَاهُ وَجِبْرِيلُ وَصَالِحُ الْمُؤْمِنِينَ^(۲) وَالْمَلَائِكَةُ بَعْدَ ذَلِكَ ظَهِيراً (۴/۶۶).
 بَلْ هُوَ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ فِي صُدُورِ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ (۴۹/۲۹).

۲ - ۵ - دو صفحه از قرآن را با دقت و به صورت شمرده بخوانید، در هنگام قرائت به معانی کلماتی که به ذهن سپرده‌اید، توجه فرمایید.

۳ - ۵ - برای تشکیل «امر به صیغه» افعال «تَذَهَّبْ» و «تَطَهَّرْ» را نوشته و ترجمه و معنی آنها را مقابلشان بنویسید.

۴ - ۵ - ساختار ششگانه «امر به صیغه» افعال «تَذَهَّبْ» و «تَطَهَّرْ» را نوشته و ترجمه و معنی آنها را مقابلشان بنویسید.

۵ - ۵ - از معانی آیات مربوط به «ویژگی‌های امام از نظر قرآن» چه فهمیدید؟ به صورت فشرده در چند سطر بنویسید.

۱. تَظَاهَرَا عَلَيْهِ: و اگر شما دو نفر بر ضد او (پیامبر) دست به دست هم دهید.

۲. صَالِحُ الْمُؤْمِنِينَ: شایسته از مؤمنان (حضرت علی علیه السلام).

درس پانزدهم

(آیات فضائل)

۱ - معانی کلمات زیر را به خاطر بسپارید تا به راحتی بتوانید آیات و عبارات درس را ترجمه کنید.

کافور: عطر خوش بو	آبد: همیشه
لَعْنَت: نفرین، دوری از رحمت الهی	إِبتِغَاء: طلب کرد، طلب شدید
مَرْضَات: رضایت، خشنودی	أَبْرَار: (جمع پَر) نیکان
مِزَاج: ترکیب	بَرِيَّة: مخلوق، مردم
نَبْتَهْل: تقاضای نفرین و هلاکت می کنیم	أَبْنَاء: (جمع ابن) فرزندان
نَدْعُ: فرا بخوانیم، دعوت کنیم	تَجَرِي: جاری می شود
نِساء: زنان	تَحْت: زیر
يَشْرَبُونَ: می نوشند	تَعَالَوْا: بیایید
يَشْرِي: می فروشد	حَاجَّ: بحث و مجادله کرد
سِقَايَةَ الْحَاج: سیراب کردن حاجیان	خَالِدِينَ: جاودانه، ماندگار
دعا: فراخواند	خَشِيَ: بترسد
لَا يَسْتَوُونَ: مساوی نمی باشند	عَدَن: جاودانه، همیشگی
عمارة: آباد کردن	كَذِبِينَ: دروغ گویان
	كَأْس: جام، کاسه



٢ - آیات و عبارات زیر را قرائت نموده و سپس ترجمه کنید.

فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا
وَأَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ
لَعْنَةَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ (٦١/٣).

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَٰئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ جَزَاؤُهُمْ
عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتٌ عَدْنٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا
رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ ذَلِكَ لِمَنْ خَشِيَ رَبَّهُ (٩٨ / ٧-٨).
وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ رَعُوفٌ
بِالْعِبَادِ (٢٠٧/٢).

إِنَّ الْأَبْرَارَ يَشْرَبُونَ مِنْ كَأْسٍ كَانَ مِزَاجُهَا كَافُورًا (٥/٧٥).
أَجَعَلْتُمْ سِقَايَةَ الْحَاجِّ وَعِمَارَةَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ كَمَنْ ءَامَنَ بِاللَّهِ وَ
الْيَوْمِ الْآخِرِ وَجَاهَدَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَوُونَ عِنْدَ اللَّهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي
الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ (٢٠/٩).

وَجَعَلْنَاهُمْ أَئِمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ (٣١/٧٣).
فی صحیح مسلم: «قُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ»
دَعَا رَسُولُ اللَّهِ ﷺ عَلِيًّا وَفَاطِمَةَ وَحَسَنًا وَحُسَيْنًا فَقَالَ: اَللّٰهُمَّ هَؤُلَاءِ
اَهْلِي (پیام قرآن/ ٩/ ٢٤٥)

۳ - آشنایی با اصول عقائد

(آیات فضائل)

در این درس به سراغ آیاتی از قرآن مجید رفته‌ایم که مستقیماً مسئله خلافت و ولایت را بازگو نمی‌کند، ولی فضیلتی بزرگ از حضرت علی علیه السلام را دربرگرفته است و مجموعه آنها می‌تواند زوایای این مسئله را برای کسانی که در متن جریان قرار نگرفته‌اند روشن سازد و در مجموع نشان دهد که حساب حضرت علی علیه السلام از دیگران کاملاً جدا است، و با وجود کسی مثل او در میان امت اسلامی، نوبت امامت و خلافت به دیگران نمی‌رسد.

به عبارت دیگر: با انضمام یک مقدمه عقلی روشن می‌توان مسئله امامت و خلافت را از آن نتیجه گرفت و آن اینکه هرگز خداوند حکیم، «مفضل» را حاکم و رهبر «أفضل» نخواهد کرد، حتی در میان عقلای جهان هر کس مرتکب چنین کاری شود او را ملامت و سرزنش می‌کنند و کار او را نشانه عدم تدبیر و ضعف مدیریت او می‌شمارند، چرا که فرد برتر از تابع فرد پایین‌تر کرده است.

این آیات بسیار وسیع و گسترده است تا آنجا که بعضی از دانشمندان، کتاب مستقلی درباره این مسئله نگاشته‌اند ولی ما از میان آنها، آیاتی را برگزیده‌ایم که مفاهیم روشن‌تری دارد و در منابع معروف اهل سنت نیز آمده است.

برای اطلاع بیشتر به کتاب پیام قرآن، جلد نهم، نوشته حضرت الله مکارم شیرازی، مراجعه فرمایید.

آیه اول «آیه مباهله» می‌باشد، در رابطه با شأن نزول آن آمده است: وقتی پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله با لجاجت علمای مسیحی مواجه شد، به دستور خداوند، پیشنهاد مباهله دادند، تا راستگو از دروغگو شناخته شود و افرادی که در این مباهله با پیامبر بودند، امام حسن و حسین (آبنائا) و حضرت زهرا (نسائنا) و حضرت علی (أنفسنا) علیهم السلام بودند؛



آیه دوم «آیه خیر البریه» می باشد، در این آیه خداوند، بهترین مخلوقات خود را معرفی کرده است، هرچند مفهوم آیه وسیع و گسترده است و منحصر به شخص یا اشخاص معینی نمی باشد، ولی در روایات متعدد اسلامی که در منابع حدیث اهل سنت و شیعه آمده، پیامبر گرامی اسلام ﷺ (خیر البریه) را حضرت علی علیه السلام و شیعیان او معرفی نموده که رستگاران در روز قیامت می باشند؛

آیه سوم (آیه لیلۃ المیت) می باشد، در شأن حضرت علی علیه السلام وارد شده که در شب هجرت، در بستر پیامبر ﷺ خوابید و جان او را بر جان خودش مقدم شمرد؛

آیه چهارم (آیه ابرار) می باشد که درباره گروهی به عنوان «ابرار» سخن می گوید در روایات متعدد معروف اسلامی، شأن نزول و مصداق اکمل ابرار را، حضرت علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام می باشند.

آیه پنجم (آیه سقایۃ الحاج) می باشد که بر اساس روایات متعددی که از اهل سنت وارد شده، مراد از «جاهد فی سبیل الله» در این آیه، حضرت علی علیه السلام می باشد.

آیات بسیار دیگری نیز در شأن حضرت علی علیه السلام که در کتاب پیام قرآن آمده است، علاقمندان به آن کتاب مراجعه فرمایند.

۴ - آشنایی با زبان قرآن

«اسم فاعل و مفعول»

«اسم فاعل»: اسمی است که بر کننده کار یا دارنده صفت یا حالتی دلالت می کند؛ مانند: «ناصر» یاری کننده - «کاتب» نویسنده.

اسم فاعل فعل هایی که ماضی غایب مفرد آنها سه حرفی است، بر وزن «فاعل» می آید، یعنی: به حروف اصلی (ریشه) کلمه، «ا» اضافه می شود، مانند:

نَصَرَ - ناصِر کَتَبَ - کاتب

«اسم مفعول» اسمی است که دلالت می‌کند بر کسی یا چیزی که کاری بر روی آن انجام شده باشد؛ مانند:

«مَنْصُور» یاری شده «مَكْتُوب» نوشته شده

اسم مفعول فعل‌هایی که ماضی غایب مفرد آنها سه حرفی است، بر وزن «مفعول» می‌آید، یعنی: حروف اصلی (ریشه) کلمه، دو حرف «م» و «و» افزوده می‌شود؛ مانند:

نَصَرَ - مَنْصُور كَتَبَ - مَكْتُوب

چند نکته:

- ۱ - هر یک از اسم فاعل و مفعول دارای شش صیغه می‌باشند؛
- ۲ - اسم فاعل و مفعول مؤنث، با افزودن «ة» به آخر آنها ساخته می‌شود؛
- ۳ - اسم فاعل و مفعول مذکر با «وَنَ - يَنَ» و مؤنث با «ات» جمع بسته می‌شوند.

صیغه‌های اسم فاعل و مفعول از فعل «نَصَرَ»

معنا	مؤنث	مذکر	لفظ یا صیغه	
یاری کرد (آن يك نفر)	نَاصِرَةٌ	نَاصِرٌ	مفرد	اسم فاعل
یاری کردند (آن دو نفر)	نَاصِرَتَانِ	نَاصِرَانِ	مُثَنَّى	
یاری کردند (آن چند نفر)	نَاصِرَاتٌ	نَاصِرُونَ	جمع	
یاری شد (آن يك نفر)	مَنْصُورَةٌ	مَنْصُورٌ	مفرد	اسم مفعول
یاری شدند (آن دو نفر)	مَنْصُورَتَانِ	مَنْصُورَانِ	مُثَنَّى	
یاری شدند (آن چند نفر)	مَنْصُورُونَ	مَنْصُورُونَ	جمع	

یادسپاری: اسم فاعل و مفعول در غیر ثلاثی مجرد، با قرار دادن «میم مضموم» به جای حرف مضارعه ساخته می‌شود، با این فرق که در اسم فاعل، حرف ماقبل «مکسور» و در اسم مفعول حرف ماقبل «مفتوح» می‌باشد؛ مانند:

عَلَّمَ - يُعَلِّمُ - مُعَلِّمٌ (تعلیم دهند) مُعَلَّمٌ (تعلیم داده شده)
أَحْسَنَ - يُحْسِنُ - مُحْسِنٌ (احسان کنند) مُحَسَّنٌ (احسان شده).



۵ - آشنایی با قرآن در منزل

۱ - ۵ - آیات و عبارات زیر را قرائت نموده و سپس ترجمه کنید.

يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أَنَسٍ بِإِمَامِهِمْ (۷۱/۱۷).

يُؤْتِي الْحِكْمَةَ مَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا^(۱).
الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ سِرًّا وَعَلَانِيَةً فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ
عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ (۲۷۴/۲).
لَكِنَّ الرَّاكِبِينَ فِي الْعِلْمِ مِنْهُمْ وَالْمُؤْمِنُونَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ وَ
مَا أُنْزِلَ مِنْ قَبْلِكَ (۱۶۲/۴).

۲ - ۵ - دو صفحه از قرآن را با دقت و به صورت شمرده بخوانید، در هنگام

قرائت به معانی کلماتی که به ذهن سپرده‌اید، توجه فرمایید.

۳ - ۵ - برای تشکیل «اسم فاعل و اسم مفعول» از افعال ثلاثی مجرد، چه

مراحلی را طی می‌نماییم؟ با ذکر مثال

۴ - ۵ - برای تشکیل «اسم فاعل و اسم مفعول» از افعال غیر ثلاثی مجرد، چه

مراحلی را طی می‌نماییم؟ با ذکر مثال

۵ - ۵ - از معانی آیات مربوط به «آیات فضائل» چه فهمیدید؟ به صورت

فشرده در چند سطر بنویسید.

الحمد لله با شیوه آشنایی با ترجمه و مفاهیم قرآن کریم، آشنا شدید، برای آشنایی بیشتر، قرآنی با ترجمه فارسی^(۱) را تهیه نمایید و روزی یک صفحه از قرآن را با دقت قرائت نموده و سپس ترجمه کنید، اگر با لغت جدیدی برخورد کردید، در دفتری نوشته و ترجمه آن را نیز مقابلش بنویسید، و با تکرار؛ آن را در ذهن خود جای دهید. خواهید دید ظرف چند هفته با ترجمه و معنای بیشتر آیات قرآن کریم، آشنا هستید.

اگر در کنار آشنایی با ترجمه، کتاب‌های صرف و نحو مقدماتی را نیز تهیه کنید و هر روز با یکی از ساختارهای افعال و اسامی عربی آشنا شوید، خواهید دید ظرف چند هفته می‌توانید با آشنایی با معنای هر کلمه، ده‌ها کلمه دیگر را بسازید و بدون مراجعه به کتاب‌های لغت به راحتی معنا خواهید کرد.

إن شاء الله به یاری خداوند، جلد دوم این کتاب با عنوان «آشنایی با ترجمه و مفاهیم قرآن کریم با رویکرد مباحث اخلاقی» به زودی تقدیم خواهیم کرد.

با آرزوی توفیق

قم - شیخ علی حبیبی

۱. پیشنهاد می‌شود، قرآن با ترجمه آقای مهدی محمودیان که با همکاری واحد پژوهش بیت القرآن امام علی علیه السلام قم نوشته شده، تهیه کنید، چرا که اضافه بر ترجمه روان، تک تک لغات را نیز جداگانه ترجمه نموده است.



فهرست مطالب

پیش‌گفتار.....	۵
سخنی با قرآن آموزان.....	۷
درس اول: خداشناسی (توحید).....	۹
درس دوم: خداشناسی (ادله توحید).....	۱۵
درس سوم: خداشناسی (صفات خداوند).....	۲۱
درس چهارم: خداشناسی (صفات خداوند).....	۲۶
درس پنجم: خداشناسی (عدل).....	۳۱
درس ششم: معاد روز قیامت.....	۳۶
درس هفتم: اسامی روز قیامت.....	۴۲
درس هشتم: دلائل اثبات معاد.....	۴۸
درس نهم: ضرورت بعثت انبیاء.....	۵۴
درس دهم: راه‌های شناخت پیامبران.....	۶۰
درس یازدهم: دلائل نبوت پیامبر اسلام ﷺ.....	۶۵
درس دوازدهم: خاتمیت پیامبر گرامی اسلام ﷺ.....	۷۱
درس سیزدهم: امامت.....	۷۷
درس چهاردهم: ویژگی‌های امام از نظر قرآن.....	۸۳
درس پانزدهم: (آیات فضائل).....	۸۹